

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران در
کارزار انتخاباتی برای
تشکیل مجلس بررسی
نهایی پیش نویس قانون
اساسی، در این اقدام
مهم برای دموکراسی
و استقلال ایران،
شرکت میکند

(صفحه ۲-ستون سوم)

حزب توده ایران
نامزدهای خود را برای
نمایندگی در مجلس
بررسی نهایی پیش نویس
قانون اساسی
(مجلس خبرگان)
معرفی میکند

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران، رفقای زیرین را بعنوان نامزدهای
خود برای نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس
قانون اساسی (مجلس خبرگان) معرفی میکند:

- **نورالدین کیانوری** - دبیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران - از تهران
- **احسان طبری** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی
حزب توده ایران - از تهران
- **محمدعلی عموتی** - عضو هیأت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- **عباس حجری** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی
حزب توده ایران - از تهران
- **صابر محمدزاده** - عضو کمیته مرکزی حزب توده
ایران - از تهران
- **آصف رزم دیده** - عضو کمیته مرکزی حزب توده
ایران - از تهران
- **انوشیروان ابراهیمی** - عضو هیأت سیاسی و دبیر
کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- **حسین جودت** - عضو کمیته مرکزی حزب توده
ایران - از آذربایجان
- **علی خاوری** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی
حزب توده ایران - از خراسان
- **رضا شلتوکی** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی
حزب توده ایران - از کرمانشاه
- **ابوتراب باقرزاده** - عضو هیأت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- **علی لامعی** - مسئول سازمان حزب توده ایران
در شهرستان بهشهر - از آذربایجان

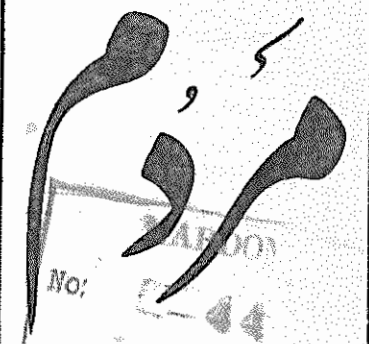
حزب توده ایران نامزدهای خود را برای برخی نقاط
دیگر نیز بزودی اعلام خواهد کرد.
علاوه بر این، پس از آنکه همه احزاب، سازمانها و
گروههای سیاسی نامزدهای خود را اعلام کردند، حزب توده
ایران از نامزدهایی که مشی سیاسی آنها در دفاع از دستاوردهای
های انقلاب بزرگ مردم ایران و گسترش آن، به مشی
سیاسی حزب توده ایران نزدیک باشد، پشتیبانی خواهد
کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوم مرداد ماه ۱۳۵۸

در صفحات بعد میخوانید:

ضد انقلاب در کردستان فعالیت خود را تشدید میکند

- من شاهد محاکمه ستوان شهید قبادی بودم (صفحه ۷ - ستون اول)
- بازهم درباره تشکیل دادگاههای رسیدگی به جرائم ضد انقلاب (صفحه ۴ - ستون سوم)
- مردم حق دارند واقعیات را بدانند (صفحه ۶ - ستون پنجم)
- هزاران ساواکی در میان مردم هستند، آنها را معرفی کنید! (صفحه ۲ - ستون اول)
- گشایش دفتر حزب توده ایران در آمل (صفحه ۷ - ستون پنجم)
- از قعر سکوتی به حجم فریاد - شعری از «شبنم» دوشیزه نایبای ۱۳ ساله (صفحه ۸ - ستون اول)



ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره: ۱۲ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۴
چهارشنبه ۳ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه مردم ایران،
به همه سازمانها و گروههای هوادار انقلاب، به شورای انقلاب و دولت
موقت، به رهبر انقلاب امام خمینی

خطر بسیار جدی دستاوردهای انقلاب را تهدید میکند

تنها عمل متحده همه نیروهای میهن-
دوست، ضد امپریالیست و آزاد یخواه
میتواند این دسیسه ها را نقش بر آب کند

امپریالیستهای
امریکائی، صهیونیستها
و وابستگان رژیم شاه
مخلوع در تمام جبهه ها
مشغول دسیسه اند.
متن کامل نامه سرگشاده در ۳ صفحه امروز
(صفحات ۳ تا ۵ مکرر)

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب
توده ایران به نخست وزیر، دادستان
دادگاههای انقلاب، رئیس کمیته مرکزی امام

تحریکات ضد انقلاب علیه حزب توده ایران

(صفحه ۳ - ستون چهارم)

برای شناخت جامعه کشور ما

چند مقاله تحت این عنوان کلی، حاوی یک سلسله
اندیشه های انطباقی در مورد جامعه ایران در گذشته و
حال، نوشته احسان طبری، برای نخستین بار در
«مردم» نشر مییابد.
ما توجه خوانندگان را باین نوشته، که کوششی
است برای کاربرد خلاق تئوری انقلابی بر بافت اجتماعی
ما، جلب میکنیم.

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

هزاران ساواکی

در میان مردم هستند آنها را معرفی کنید!

هنوز معلوم نیست چرا لیست هزاران مأمور ساواک، که بدست آمده، منتشر نمیشود.

مأموران ساواک در مطبوعات علیه انقلاب توطئه میکنند و وزارت ارشاد ملی از افشای نامشان خودداری میکند.

دست خونی ساواک همچنان بر سر نوشت مردم ایران چنگ انداخته است. هزاران مزدور ساواکی در سراسر ایران در کار توطئه هستند تا صفوف خلق را از هم جدا کنند، آنها را بجان هم بیاندازند، آتش جنگ بپا فروزند، تخم یاس و بدبینی بکارند... متأسفانه باید گفت که هرچه اینان بیشتر به تلاش خود میافزایند، ارکانهای انقلاب از بها دادن به این دشمنان سوگند خورده مردم ایران، خودداری میکنند. ساواکیها می تازند، ارکانهای انقلاب کوتاه می آیند.

نامه ای که از قول بازپرس انقلاب در روزنامه اطلاعات (شنبه ۲۶ تیر) چاپ شد، بار دیگر پرده از تلاش جهنمی ساواک برمی داشت.

در این نامه، ابتدا به جمع شدن مأموران ساواک در مقابل نخست وزیری اشاره میشود که در ماه بعد از پیروزی انقلاب روی داد و سپس بازپرس انقلاب می نویسد:

«۱۶۰ نفر ساواکی در جلوی نخست وزیری دستگیر شدند. برادران بازپرس از این افراد بازجویی کردند. معلوم شد دستگیر شدگان، به اقرار خودشان، همگی کارمند ساواک جهنمی هستند. این ساواکیها از مشاغل مختلف بودند، نظامی، راننده، اتاقدار، بی سیمچی، رهبران عملیات و کارمندان عالی رتبه...»

بازپرس انقلاب آنگاه به درستی نتیجه میگیرد: «این مسأله بیانگر یک واقعیت تلخ بود و آن اینکه تمام ارکانهای ساواک با هم مرتباً در تماس هستند و میتوانند در یک روز و در یک ساعت معین، در محلی جمع شوند.»

طبق آنچه در نامه آمده، ۱۲۰ نفر از این افراد آزاد میشوند، اما:

«تجربه ثابت کرد همین افسراد آزاد شده، دست از توطئه علیه انقلاب برنداشتنند و مرتباً در فکر ضربه زدن به انقلاب میباشند.»

بازپرس در نامه اش می نویسد که حوادث بعدی نشان داده که رهبران ساواک اغلب در تهران هستند و «کار تازه ساواکیها، بهره گیری از اختلافات گروهی، نفاق افکنی در صفوف متشکل مبارزان و حضور مخالف در هر اجتماع و میتینگی بود. دشمن دیگر وارد کارزار شده»

بازپرس انقلاب، سپس در نامه اش می نویسد که ساواک چگونه به اجتماعات حمله میکند و می افزاید که هنگام فعالیت شبانه روزی دادگاههای انقلاب، مزدوران ساواک به هراس افتادند و به شهرستانها رفتند و اختلافات را دامن میزدند، مسائل قومی و قبیله ای را مطرح میکردند.

بازپرس انقلاب در ادامه نامه اش می نویسد که چگونه بعد از کذب شدن دادگاهها،

«عوامل مخرب سیا و ساواک جان تازه ای گرفتند و دوباره به تهران آمدند و حالا در تهران عمل میکنند» و ادامه میدهد: «ساواک بر شدت عملش افزوده است و مغزهای متفکرش مانند سرتیپ پرنیا نفر، رئیس سازمان امنیت تهران، و از قسدهی و دستیارانش هم اکنون طرحهایی در دست اجرا دارند که مرحله به مرحله پیش میروند.»

بازپرس انقلاب در قسمت دیگری از نامه اش چنین می نویسد:

«تا بحال ساواک در دادگاه انقلاب کمترین تلفات را داشته است و تعداد کمی از مأمورین ساواک دستگیر شده اند که تعداد دستگیر شدگان به ۱۰۰۰ نفر میرسد و از این تعداد عده زیادی هم آزاد شدند، توانسته اند ارکانهای ساواک را با کمترین تلفات سالم نگهدارند و اکثر قریب به اتفاق رهبران عملیات از اداره سوم، که کارش سرکوبی هر حرکت و مخالف در هر کجای ایران بود، بجز تعداد کمی که گرفتار شدند، و فعلاً هم خود را به بی گناهی میزنند، مشغول عمل کردن میباشند.»

بازپرس انقلاب در جای دیگر از نامه اش، این پرسش را که سؤال میلیونها ایرانی نگران سرنوشت انقلاب است، طرح میکند:

«امروز منابع ساواک چه میکنند و کجا هستند؟ مأمورین رسمی ساواک بیش از ده هزار نفر و منابع ساواک که همان خبرچینها بودند، و در واقع کار اصلی را همین منابع انجام میدادند و بازوی ساواک نبودند، بیش از ۳۰ هزار نفر رسمی و غیر رسمی فعالانه کار میکردند و فعلاً هم مشغول هستند. اینان کجا هستند؟»

آنچه در ایران میگذرد، این سؤال بازپرس را بروشنی پاسخ میدهد:

«ساواکیها در میان مردم هستند.»

این واقعیت را موارد مشخصی که حتی در مطبوعات هم منعکس شد، تأیید میکند. برای مثال، هنگام کشف توطئه ترور امیرانظام در بوست و چهارم تیرماه، فرد دستگیر شده اعتراف میکند که برادر

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی برای تشکیل مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی، در این اقدام مهم برای دموکراسی و استقلال ایران، شرکت میکند.

هوطنان عزیز! رفقای حزبی!

کارزار انتخاباتی برای مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) آغاز شده است. حزب ما از نظر امام خمینی درباره ضرورت تشکیل هر چه سریعتر مجلس خبرگان پشتیبانی کرد، زیرا ما نند وی معتقد است که تصویب هر چه زودتر قانون اساسی، برای تثبیت رژیم جمهوری اسلامی، یک امر حیاتی و تاخیر ناپذیر است.

مانظر خود را درباره پیش نویس قانون اساسی، ضمن سند کمیته مرکزی حزب و ضمن مقالات تفصیلی منتشره در ارگان مرکزی حزب، بیان داشته ایم. حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی موجود است که بشکل منظم و با صراحت و در وقت، نظر خویش را درباره نکات مختلف پیش نویس قانون اساسی ارائه داده است.

متأسفانه این عمل از طرف سازمانهای دیگر انجام نگرفته و به همین دلیل مردم ایران، در آستانه انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، نمیدانند کسانی را که انتخاب میکنند، در کدام موضع فکری نسبت به پیش نویس قانون اساسی قرار دارند و در مجلس آینده باین پیش نویس چگونه برخوردی خواهند داشت.

ارزیابی کلی مادر باره این پیش نویس آنست که، این سند (که بعنوان زمینه و پایه بحث رضایت بخش است) باید در جهت انقلابی، خلقی و ضد امپریالیستی بهبود یابد، تکمیل شود و نقائص آن برطرف گردد.

مادر عین حال، طی نامه سرگشاده ای شنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸، از همه نیروهای سیاسی خواستار شدیم که برای نیل به یک نظر مشترک در مورد پیش نویس و یک روش مشترک در انتخابات مجلس خبرگان، برخورد مشورتی انجام گیرد. متأسفانه باین پیشنهادها توجهی نشد.

حزب توده ایران برای شرکت مجدانه در انتخابات مجلس خبرگان، در نقاط مهمی از کشور نامزدهای خود را معرفی میکند، و در عین حال از آن نامزدهائی پشتیبانی خواهد نمود، که بر اساس سوابق مبارزاتشان، میتوان باین نتیجه رسید که به پیش نویس قانون اساسی از دیدگاه نادرست و ارتجاعی برخورد نخواهند کرد.

پشتیبانی حزب ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی دیگر، باریک نظر مظهر تلاش مشخص ما برای وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی، در راه ایجاد یک نظام خلقی و آزاد در کشور ما و تبدیل دوران گذار ولایحتم آشفته کنونی، به یک نظام مترقی تثبیت شده بسود اکثریت قریب بتمام مردم ایران است.

حزب توده ایران فهرست نامزدهای انتخاباتی را در سند جداگانه ای نشر خواهد داد.

نامزدهای انتخاباتی حزب از میان کارگران و روشنفکران سرشناس و مبارزی تعیین شده اند که هر یک پیشینه

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

سپامک الف (موجودی تکل)	۴۰۰۰۰۰ ریال
گروه خرم آباد	۲۰۰۰۰۰ ریال
الله صمد اژساری	۵۰۰۰۰ ریال
اخگر از ساری	۱۰۰۰۰۰۰ ریال
مریم لطفی بهروز از رشت	۱۰۰۰۰ ریال
بهاره تبالی	۱۰۰۰۰ ریال
خانم فرانک	۵۰۰۰۰
اکبر آقا کفایش	۱۰۰۰۰
عده ای از کارگران چاپساز و بلور فروش بازار	۲۰۰۰۰
الف و ب (زوجی که هزینه عروسی خود را به حزب داده است)	۱۰۰۰۰۰۰
خواهر عروس و برادر داماد و فرزندان آنها، که هدیه عروسی را به حزب داده اند	۵۰۰۰۰

رئیس ساواک متحله آستارا است و در گروه فرغان فعالیت میکند. این اعتراف واقعیت غیر قابل رد و ابستکی گروه فرغان را به ساواک بازمه تأیید میکند. سازمان مجاهدین خلق ایران در اعلامیه ای خبر از دستگیری فرد مشکوکی میدهد که در اطراف این سازمان سر و گوش آب میداده است. این شخص، که به احتمال زیاد ساواکی بوده، تحویل کلانتری داده شده است. سرپرست کمیته مرکزی کرمانشاه هم از نفوذ ساواکیها در کمیته ها خبر میدهد.

متأسفانه باید گفت که در مقابل این همه نشانه های غیر قابل رد، مقامات مسئول نه تنها احساس مسئولیت کافی نمی کنند، بلکه بنا بر اعتراف صریح دادستان انقلاب، ساواکیهای دستگیر شده را هم آزاد میکنند و به میان مردم می فرستند، مردمی که حداقل خواستار شناسائی ساواکیها در ارگانهای مختلف هستند، تا دامهای آنها را بی اثر کنند. بازپرس انقلاب هم این خواست را در نامه خود تأیید میکند و می نویسد:

«مهمترین مسأله اینست که مردم نمیدانند منابع ساواک که هستند» و پیشنهاد میکند:

«جزئیات مربوط به ساواک و منابع ساواک - که بازوی ساواک بودند - در روزنامه ها چاپ شود و اسامی این افراد را در اختیار مردم بگذارند تا همه ارگانهای انقلاب از خطر نفوذ این عناصر خود فروخته، مصون و محفوظ بمانند.»

این پیشنهاد که میتواند منابع ساواک را رسوا و مانع فعالیت آنها - حداقل بطور علنی - بشود، مورد تأیید همه کسانی است که اکنون ساواک، باریک نظر بر زندگیشان چنگ انداخته است. مثلاً کارکنان سازمان آب در نامه ای می نویسد:

«اینست که ششماه از انقلاب شکوهمند مردم ایران میگذرد، این عناصر ناباب همچنان بکار خود ادامه داده و به تفرقه و خیانت مشغولند و این بار با نقابهای چپ و راست، مسلمانان راستین و مبارزان با ایمان را متهم به ضد انقلاب می نمایند. ما از نخست وزیری خواستاریم که در اسرع وقت اسامی عوامل ساواک در سازمان آب را

بزرگی از فعالیت سیاسی دارند و بدین سبب در محیط خود مورد احترام ممنوی هستند.

زندگی نامه این نامزدها، نبرد طولانی و پر رنج و پر از فداکاری آنها را علیه امپریالیسم و رژیم استبدادی دست نشانده پهلوی و اینار بدون توقع آنها را در راه مردم ایران، زرفای مهین پرستی و مردم دوستی آنها را نشان می دهد. ما از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران بازرگانان مهین پرست، دانشجویان و جوانان، از همه مردم ایران، از زن و مرد، از همه کسانی که دارای شرایط انتخاب کردن هستند، دعوت می کنیم:

● به نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان رای دهید!

● مطمئن باشید که آنها پیگیر ترین سخنگویان منافع شما در این مجلس خواهند بود،

● مطمئن باشید که آنها همیشه به منافع خلق، به استقلال و دموکراسی ایران، چنانکه زندگی آنها نشان میدهد، وفادار خواهند بود و از استقلال و دموکراسی ایران دفاع کرده و خواهند کرد.

● حزب توده ایران را، علیرغم کارزار بهتان و افتراء دشمنان و مخالفان، با رای خود همه جانبه تقویت کنید.

ما از رهبری انقلاب، از شورای انقلاب و از دولت خواستاریم، موافق وعده ای که داده اند، موافق موازین آزادی و دموکراسی، از حقوق حقه سیاسی و مدنی حزب ما برای شرکت آزادانه در انتخابات، استفاده آزادانه از رادیو و تلویزیون، استفاده آزادانه از مطبوعات، حرکت آزادانه در کشور و غیره دفاع کنند و به ضد انقلاب اجازه ندهند که با ایجاد فضای ارعاب و تهدید و افتراء و دشنام مانع تحقق این حقوق شود.

ما از تمام سازمانها و گروههای سیاسی موجود، از همه مطبوعات توقع داریم، با احترام حقوق دموکراتیکی که برای خود قائلند، به حقوق دموکراتیک حزب ما احترام بگذارند، چنانکه ما بنوبه خود با بی گنایی کامل به حقوق دموکراتیک آنها احترام می گذاریم.

مردم ایران!

در انتخابات مجلس خبرگان، به نامزدهای حزب توده ایران، بعنوان بی گنایترین مدافعان منافع مردم، رای دهید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهران - اول مرداد ۱۳۵۸

اهلام نماید تا دیگر نتوانند با ماسکهای انقلابی به اعمال ضد انقلابی بپردازند.»

برغم این خواست مردم، معلوم نیست دولت چرا درصدد «حفظ آبروی» خود فروختگان ساواک قدم برمیدارد. در حالیکه اسامی رمز کلمه مأموران ساواک بدست آمده است، از معرفی آنها خودداری میشود. مأموران ساواک بدون ذکر شناسان آزاد میشوند وزارت ارشاد ملی نه تنها اسامی ساواکیهای مطبوعات را منتشر نمیکند، بلکه معاون وزارت ارشاد ملی، هنگام افشای فعالیت ضد انقلاب در مطبوعات، از افشای نام ساواکیهایی که سرگرم زهر پاشی توسط مطبوعات هستند، خودداری می ورزد.

حزب توده ایران وظیفه خود میدانند که یک بار دیگر هشدار بدهد، ساواک سرگرم بازسازی ارگانهای خود است. این خطر بزرگی برای انقلاب ایران است. مقابله با ضد انقلاب قاطعیت می طلبد. سرنوشت یک انقلاب در میان است. این سوخی نیست. هزاران ساواکی آزادانه در میان مردم میگردند. آنها را معرفی کنید و آنگاه هر مزدور شاه خائن را به فراخور جرمش مجازات کنید!

بقیه از شماره پیش

آنتی کمونیسم نمونه روشن افلاس ایدئولوژی بورژوازی است

کاخ قدرت رضاشاهی در یک چشم برهم زدن فروریخت و دچار سر نوشت محتوم همه رژیم های دست نشانده ضد مردمی گشت. پسرش محمد رضا بجای پدر براریکه سلطنت نشست (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷). دوران سلطنت منحوس این گرگ زاده مشحون است از جنایت و خیانت و آدم کشی و غارت ثروت های ملی کشور. او در قتل و کشتار مردم بیگناه و چپاول بیت المال دست پدر را از پشت بست.

در دوران او وضع بگونه ای دیگر بود. مردم ایران بیدار شده و بپاخاسته بودند. احزاب و گروه های سیاسی مدافع منافع ملی تشکیل شده بود. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، قدرت بی سابقه ای کسب کرده بود. جنبش ملی کردن نفت ایران بر رهبری شادروان دکتر محمد مصدق پیروز گشته و دست امپریالیسم از منابع ثروت کشور در شرف کوتاه شدن بود.

اوج جنبش، محمد رضا را مجبور به فرار کرد. ولی امپریالیسم به این سادگی دست از ایران برنمی داشت. ارباب جدید امپریالیسم امریکایی که انگلستان را بتدریج کنار زده و جایش را می گرفت، به یاری وارث خاندان دست پرورده شتافت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را برآوردند و شاه فراری را به ایران بازگرداند.

محمد رضا، همچو گرگ تیر خورده، کین توز و غضبناک دوباره به تخت نشست. این بار دیگر او جان و مال و تخت و تاج و تمام موجودیتش را مرهون امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم امریکایی کرد.

بنابر این کم خدمت آنان را صادقانه و چاکرانه بر سر میان بست. او در انجام وظیفه چاکری نه فقط ثروت های مادی و ذخایر مالی بلکه معنویات خلقی ما را در طبق اخلاص نهاد و تقدیم ارباب کرد و با اتکاء بروی، به هر جنایت و خیانتی دست زد. در کارنامه سیاه دوران اختناق محمد رضا شاهی، «آنتی کمونیسم» جای برجسته ای دارد. او در بکار بردن سیاست ضد کمونیستی در زمینه های مختلف، از دایره اقدامات پدرش یافرات نهاد. او ایران را، با پول ایرانی و با پرسنل ایرانی، به پایگاه نظامی و جاسوسی امریکا علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مبدل کرد. ارتش ایران را بصورت زاندارم منطقه در آورد و با مداخله نظامی به سرکوب جنبش های آزادیخواهان در منطقه پرداخت.

هدف او از همه اینها مبارزه با کمونیسم بود و در همه جا او از «خطر کمونیسم» صحبت می کرد. مبلغین آنتی کمونیسم از یکسوسی می کردند با تبلیغ نظریه امپریالیستی - مائوئیستی «دو ابر قدرت» که فاقد هر گونه پایه علمی و طبقاتی است، کمونیسم و اتحاد شوروی را در انظار مردم بی اعتبار کنند و از سوی دیگر با انتشار «خطر کمونیسم»، سیاست خریدهای کلان اسلحه و نظامی کردن کشور را، که بزبان مردم ایران بود، توجیه نمایند.

کیست که امروز از جنایات و فجایعی که بدست ساواک طی مدت بیست سال فعالیت این دستگاه اهریمنی در کشور ما بوقوع پیوست، با خیر نباشد؟ و کیست که نداند که هدف این دستگاه شکنجه و کشتار، که در ارتباط نزدیک با سیا و موساد فعالیت میکرد، در درجه اول مبارزه با کمونیسم و اجرای سیاست ضد کمونیستی امپریالیسم و سهیو نیسم در ایران بود؟

یکی از جنبه های مهم آنتی کمونیسم در کشورهای نظیر ایران، تبلیغ و ترویج شیوه زندگی غربی بود. شاه مخلوع تمام کوشش خود را در این راه مصروف میداشت. او ایران را از هر لحاظ هم اقتصادی، هم سیاسی و هم فرهنگی، تابع غرب امپریالیستی و وابسته به آن نموده بود. او با نقشه معین این کار را میکشید و در حالیکه سالانه صدها هزار نفر، از دانش آموز و دانشجو گرفته تا کارمند دولت و افسر ارتش و ماموران ویژه را به اعتنا وین مختلف به امریکا و دیگر کشورهای غربی گسیل میداشت، از هر گونه تماس مردم با کشورهای سوسیالیستی با تمام نیرو و جلوگیری می کرد. مسافرت به اتحاد شوروی و کشورهای «بلوک شرق» به هر عنوان ممنوع بود، و اگر کسی بطریقی گذارش به آنسو می افتاد، مورد مواخذه شدید ساواک قرار میگرفت. حتی تحصیل و کسب تخصص نیز در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای جوانان ایرانی جرم محسوب میشد. چه بسا جوانان ایرانی که پس از پایان دوره دبیرستان، بعلت نداشتن امکان تحصیل در ایران، به کشورهای خارج میرفتند، و پس از سالها آوارگی، امکان مسافرت به اتحاد شوروی را می یافتند و در آنجا با استفاده از سیستم آموزش رایگان و تامین شده آن کشور، تخصصهای گوناگون کسب میکردند، باین امید که روزی به میهن بازگردند و معلومات مکتسبه را در خدمت خلق خود قرار دهند. ولی این افراد از اولین روز ورود به اتحاد شوروی با مخالفت و اعتراض مقامات سفارت ایران مواجه میگشتند، گذرنامه هایشان علامت گذاری میشد و بدینسان از حق بازگشت به میهن محروم میشدند. دلیل این امر کاملاً واضح است.

مردم ایران بهیچوجه نمیبایستی از واقعیت امروز در کشورهای سوسیالیستی باخبر شوند. فقط با کشیدن پرده ابهام و دور کشی سوسیالیستی - سازندگان سوسیالیسم و کمونیسم - و بی اطلاع نگهداشتن مردم از واقعیات مربوط به این کشورها بود که سرمداران آنتی کمونیسم برای انتشار اتهامات و شایعات بی اساس خود زمینه می یافتند. ولی اگر جوانانی که مثلاً در اتحاد شوروی چند سالی زندگی و تحصیل کرده بودند، به میهنشان باز میگشتند و بعنوان

راهپیمائی وسیع در سمنان

روز بیست و ششم تیرماه، مردم سمنان بدعوت امام در راه پیمائی وحدت شرکت کردند. در این راه - پیمائی وسیع، که ۲۰ هزار نفر در آن شرکت کرده بودند، اغلب احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی از جمله هواداران حزب توده ایران شرکت داشتند. مردم سمنان در راه -

پیمائی خود توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب را محکوم کردند. در پایان راه پیمائی قطعنامه ای خوانده شد که در آن، ضمن تأکید بر اتحاد همه نیروها برای مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلاب، از دولت خواسته شده بود در مقابل توطئه گران و ضد انقلاب قاطعانه عمل کند.

در این قطعنامه بر رهبری قاطعانه امام خمینی تأکید شده و طرح شورای انقلاب برای تشکیل مجلس خبرگان مورد تأکید قرار گرفته بود.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.

نشانی،
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن،
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: نخست وزیر، دادستان دادگاههای انقلاب، رئیس کمیته مرکزی امام

حتما اطلاع دارید که از چندین پیش عناصر مشکوکی به مراکز حزب توده ایران و دفاتر «مردم» ارگان مرکزی حزب ما و کتابفروشیها و دکتهای روزنامه فروشی در شهرستانها، که نشریات و مطبوعات حزب ما را عرضه میدارند، هجوم میبندند و ضمن دادن شعارهای دشنام گونه به حزب توده ایران، شیشه ها را میشکنند. نشریات، روزنامه ها، پوسترها و عکسهای شهیدان را پاره می کنند، خسارت مالی وارد میسازند و حتی پول موجود در کتابفروشیها و دکتهای روزنامه فروشی را بغارت میبندند.

در چند روز اخیر هجوم این عناصر مشکوک شدت یافته است. آخرین نمونه آن، هجوم عناصر مشکوک به راه پیمائی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸، بمناسبت سالگرد شهیدان سیام تیرماه ۱۳۳۱، در این با بویه بود که منجر به زخمی شدن چهار نفر گردید. در روز یکشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۵۸، این عناصر مشکوک کارگستاخی رایجائی رسانند که برای نخستین بار جلودبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر «مردم» در تهران جمع شدند و با دادن شعارهای دشنام گونه به حزب توده ایران و سخنرانیهای تحریک آمیز و افترا آمیز علیه حزب ما، مدتی راه رفت و آمد راه دبیرخانه کمیته مرکزی و دفتر «مردم» سد کردند.

در تمام این موارد، مسئولین حزبی، چریان امر را به مقامات مسئول دولتی و به کمیته ها اطلاع داده و خواستار رسیدگی شده اند.

با اینکه مقامات مسئول دولتی و کمیته ها از این جریانات «براز تأسف» کرده و این اعمال ضد انقلابی را «تأیید نکرده اند»، ولی با کمال تأسف و تعجب تاکنون عملاً هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی بعمل نیاورده اند.

بنظر ما، این تحریکات، که پشت سر آن مسلمانان ضد انقلاب قرار دارد، جز تشدید تفرقه بین نیرو های راستین انقلابی و سرانجام تضعیف انقلاب و باز کردن راه برای ضد انقلاب هدفی ندارد، و بی توجهی و سهل انگاری مقامات مسئول دولتی و کمیته ها در اقدام جدی و قاطع و فوری برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی نیز، چه

بنا به دعوت حزب کمونیست ایتالیا، هیئت از جانب حزب توده ایران، از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸ (۱۶ تا ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹)، از ایتالیا دیدن کرد. طی مدت اقامت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در ایتالیا، گفتگوی دوستانه ای نیز با هیئت از جانب حزب کمونیست ایتالیا صورت گرفت. در این گفتگو، هیئت نمایندگی حزب توده ایران، درباره شرایط کشور پس از انقلاب پیروزمند خلقهای قهرمان ایران، که منجر به طرد شاه و استقرار جمهوری اسلامی گردید، توضیحات مفصلی داد. هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا، با تشکر از رفقای توده ای، بمناسبت اطلاعاتی که داده اند، ضرورت گسترش همکاری بین دو حزب را تأکید کرد.

گفتگوی دوستانه بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران و هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا

بنا به دعوت حزب کمونیست ایتالیا، هیئت از جانب حزب توده ایران، از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸ (۱۶ تا ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹)، از ایتالیا دیدن کرد. طی مدت اقامت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در ایتالیا، گفتگوی دوستانه ای نیز با هیئت از جانب حزب کمونیست ایتالیا صورت گرفت. در این گفتگو، هیئت نمایندگی حزب توده ایران، درباره شرایط کشور پس از انقلاب پیروزمند خلقهای قهرمان ایران، که منجر به طرد شاه و استقرار جمهوری اسلامی گردید، توضیحات مفصلی داد. هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا، با تشکر از رفقای توده ای، بمناسبت اطلاعاتی که داده اند، ضرورت گسترش همکاری بین دو حزب را تأکید کرد.

که بدستور طبق نقشه امپریالیسم، بدست عمال دست نشانده وی اجرا میشد. هدف از آن عبارت بود از بی اعتبار ساختن سوسیالیسم و کمونیسم از طریق نشر اکاذیب و تحریف واقعیات مربوط به جوامع سوسیالیستی، مبارزه با سوسیالیسم علمی بطرق گوناگون، سرکوب جنبش کمونیستی و کارگری همراه با ایجاد محیط رعب و وحشت و ترور و اختناق برای سایر نیروهای میهن پرست و آزادخواه و همه اینها بمنظور زمینه سازی برای نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم، تقویت مواضع نواستعماری آن و تشدید وابستگی کشور به امپریالیسم صورت میگرفت.

آنتی کمونیسم در ایران، در دوران نکبت بار - دوران سلطنت رضاخان و دوران حکمرانی شاه مخلوع - با اصول واحد، اما به اشکال مختلف و با شدتی روزافزون پیاده شد. و هر بار به شکست قطعی عاملین مزدوران انجامید و در عین حال مصائب فراوان برای مردم ما بجا گذارد.

بنظر میرسد تجربه دو دوران تاریخی برای پنداندن و نوزی کافی باشد ...

شاهد های زنده، حقایق جامعه شوروی را به جوانان ایران بازگو میکردند، آنوقت دروغ مبلغین آنتی کمونیسم آشکار میشد و احتیاجشان دیگر رنگی نداشت. جلوگیری از استقرار روابط توریستی و دیگر روابط گسترده توده ای با اتحاد شوروی و کشورهای «بلوک شرق» نیز از همینجا آب میخورد.

مسئله دیگری که مبلغین آنتی کمونیسم در ایران از آن استفاده میکنند، مذهب است.

از آنجا که مردم ایران مسلمانند و دین اسلام در میان قاطبه اهالی، بویژه طبقات و اقشار مستضعف جامعه - که تبلیغات آنتی کمونیسم بطور عمده متوجه آنها و برای آنها است - ریشه عمیق دارد، مبلغین آنتی کمونیسم برای تحریک احساسات مذهبی و برانگیختن عواطف دینی آنان، ضمن در برابر هم قرار دادن کمونیسم و مذهب، این نتیجه نادرست را میگردانند و بعنوان واقعیت بیان میکنند که مثلاً در اتحاد شوروی، مسلمانان از لحاظ اجرای فرایض دینی آزاد نیستند و یا اینکه در مضیقه قرار دارند. در اینجا نیز مفتیان از بی خبری مردم استفاده میکنند. در این باره تا کنون در روزنامه «مردم» صحبت شده و باز هم صحبت خواهند شد. آنچه که مسلم است، در جوامع سوسیالیستی آزادی وجدان و آزادی معتقدات مذهبی وجود دارد و در قوانین اساسی آنها تصریح و تضمین شده است. در اتحاد شوروی ۵۰ میلیون مسلمان هست که سازمانها و تاسیسات مذهبی، انتشارات دینی و مدارس روحانی ویژه خود را دارند و با مراجع دینی و مراکز اسلامی جهانی در ارتباط اند. آنها ضمن حفظ معتقدات مذهبی و انجام فرایض دینی خود، دوش بدوش دیگر افراد کشور، دارندگان اعتقادات مذهبی مختلف و عناصر غیر مذهبی، به ساختن جامعه آزاد برابر حقوق سوسیالیستی و کمونیستی اشتغال دارند.

مزدوران امپریالیسم و مبلغین آنتی کمونیسم در رژیم خائنین بهلوی، به حزب توده ایران نیز اتهام «لامذهبی» میزدند. هدف و مقصد آنها کاملاً معلوم است، حزب ما بارها متذکر گشته است که داشتن اعتقادات مذهبی را منافی با عضویت در صفوف خویشی نمی شمارد و به عقاید مذهبی مردم و اعضاء خود احترام میگذارد. معذک حتی امروز نیز عناصر معینی، با تکرار اینگونه افتراها، برای نیل به هدفهای خاص خود میکوشند. بین نیروهای راستین انقلاب تفرقه بیاندازند. حزب ما این روش های کهنه و مطرود را محکوم میکند و آنرا منافی اهداف انقلاب ایران و کمک به ضد انقلاب میدانند.

اینها بودنکاتی چند درباره آنتی کمونیسم در ایران، در این باره بازم با شما صحبت خواهیم کرد. از آنچه گفته شد، نتیجه میشود:

آنتی کمونیسم در ایران بصورت سیاست دولتی در آمده بود،

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه مردم ایران، به همه سازمانها و گروههای هوادار انقلاب، به شورای انقلاب و دولت موقت، به رهبر انقلاب امام خمینی

خطر بسیار جدی، دستاوردهای

انقلاب را تهدید می کند

۱- امپریالیسم و ارتجاع در همه جبهه‌ها مشغول حادثه آفرینی، توطئه چینی و خرابکاری هستند.

حزب توده ایران با ارزیابی روشن امام خمینی موافق است که، آمریکا را بعنوان دشمن و رقیب شماره یک علیه انقلاب ایران افشا می کند. در واقع انقلاب ایران، حتی بر پایه همان دستاوردهایی که تاکنون بدان رسیده است، اساس حاکمیت و سلطه امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل را در منطقه خاورمیانه و نزدیک به شدیدترین وجهی بخطر انداخته است. در همین اینکه دولت آمریکا اعلام میکند که میخواهد مناسبات عادی دوستانه با جمهوری اسلامی ایران برقرار کند، ولی با تمام نیرو، همه عوامل را که به شکلی از اشکال بتوانند برای هدفهای سیاست آمریکا سودمند باشند، بکار انداخته است تا از تثبیت جمهوری اسلامی ایران، حتی در چهارچوب دستاوردهای کنونی اش، جلوگیری کند و چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و ایران را مجبور به تسلیم به خواستههای تجاوزکارانه و غارتگرانه خود سازد.

اقدامات امپریالیسم آمریکا، از تهدید و فشار و شانتاژ سیاسی، حتی بصورت تدارک هجوم نظامی به مناطق نفت خیز خلیج فارس، آغاز میشود و از دهها راه تاریک تر و راههای سیاسی، تفرقه افکنی، نفاق اندازی، خرابکاری در ادارات و مؤسسات اقتصادی، فشارهای اقتصادی، تجهیز باند های دزد و غارتگر و آشوبگر، تحریک بوسیله مطبوعات مزدور عبور میکند و بسوه استفاده موزیانه و مزورانه از اختلافات ایدئولوژیک، سیاسی، ملی و طبقاتی و همچنین بهره برداری خرابکارانه از تمایلات قدرت طلبی و انحصارجویی گروهها و شخصیت های مذهبی و سیاسی مبرسد. طیف وسیع های امپریالیستی، که بر تجارب ابلهانه زیادی مبتنی است، بسیار وسیع است.

مأموران ساواک، وابستگان به رژیم سرنگون شده شاه خائن، وابستگان به سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیسم، افسران برکنار شده ارتش و پلیس و ژاندارمری و آن دسته از عوامل رژیم سابق، که هنوز بر رأس پستهای حساس قوای مسلح هستند، اوپاش و ارادگی از نوع سیمان بی مخرجها و منصور باقریانها، زیر رهبری کارشناسان امریکائی خرابکاری و خیانت و آدمکشی، آزادانه مشغول گسترش هر روز بیشتر فعالیت خویش علیه انقلاب هستند.

بخش مهمی از این عوامل، که در گذشته، در تمام سازمانهای دولتی، پستهای حساس را داشته اند، این پستها را همچنان نگهداشته اند و از دیر زمانی، برای اشغال پستهای کلیدی، ماسک «مذهبی» بخود زده اند و زیر پوشش «مبارزه با کمونیسم» میکوشند انقلاب را از سمتگیری علیه دشمنان واقعی اش، یعنی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و دارو دسته شاه خائن منحرف سازند و قشرهای ساده انقلابی را علیه نیروهای انقلابی چپ در ایران و علیه کشورهای سوسیالیستی، که یگانه دوستان واقعی جنبش های راستین ضد امپریالیستی در سراسر جهان هستند، برگردانند.

سیاست دشمنی با کمونیستها

درست مانند زمان شاه مخلوع، سیاست دشمنی با کمونیستها و دشمنی با حزب توده ایران، و دشمنی با کشورهای سوسیالیستی و بویژه «دشمنی با اتحاد شوروی»، بصورت مهم ترین وسیله تبلیغاتی امپریالیسم و ضد انقلاب برای تضعیف جنبش انقلابی ایران در آمده است و چه بسا بقیه در صفحه بعد

انقلاب بزرگ مردم ایران روزهای بسیار حساس و نگرانی آوری رامیکرداند. از یکسو دستاوردهای انقلاب بطور چشمگیری گسترش پیدا میکند و شورای انقلاب، به پیروی از خواست اکثریت مردم و بویژه نیروهای ضد امپریالیستی و میهن دوست و مترقی، گامهای مهمی در جهت ریشه کن ساختن تسلط غارتگران امپریالیستی و خائنین وابسته به آنان، بر میدارد و از سوی دیگر ضد انقلاب، مرکب از عوامل وابسته به امپریالیسم و بویژه وابستگان به امپریالیسم آمریکا، انگلیس و صهیونیسم، با کمک ارتجاع داخلی در تمام جبهه ها به حادثه آفرینی، دسیسه سازی، نفاق افکنی، آتش افروزی و خرابکاری دست زده اند و هر روز دامنه فعالیت خود را گسترش میدهند.

امپریالیستهای امریکائی و صهیونیستها و وابستگان رژیم شاه مخلوع در تمام جبهه ها مشغول دسیسه اند.

تنها عمل متحد همه نیروهای میهن دوست، ضد امپریالیست و آزادپنخواه می تواند این دسیسه ها را نقش بر آب کند.

کام بکام مواضع از دست رفته را دوباره بدست آورد و مواضع باقیمانده را حفظ و محکم کند.

در چنین جوی ممکن میشود که یک گروه ساواکی، هم شعار «مرگ بر کمونیسم»، «مرگ بر توده ای خائن» و هم شعار «مرگ بر خمینی» را روی دیوارها بنویسد.

حزب توده ایران تاکنون پیوسته با یکگیری کوشیده است تا زمینه اتحاد همه نیروهای انقلابی را برای ادامه سمتگیری واقعی انقلاب ایران، یعنی پیشروی بدون تزلزل بسوی هدفهای اساسی این انقلاب بوجود آورد و عمل همه نیروهای میهن پرست را در جهت ریشه کن ساختن تسلط غارتگران امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ریشه کن ساختن نفوذ صهیونیسم، تأمین استقلال همه جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی میهن ما، تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی در چهارچوب انقلاب خلق، تأمین عدالت اجتماعی، کوتاه کردن دست غارتگران و بهبود بنیادی شرایط زندگی دهها میلیون مردم زحمتکش و محروم شهر و ده سوق دهد. ما با اراده خستگی ناپذیر این کوشش را دنبال میکنیم و با احساس مسئولیت تاریخی، وظیفه خود میدانیم که هر چندی یکبار، نظر روشن خود را در اختیار همه نیروهای راستین انقلابی و همه علاقمندان به استقلال و تمامیت ارضی و آزادی میهن و پیشرفت اجتماعی و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان شهر و ده و سایر معزومان جامعه بگذاریم. در لحظه کنونی سه عامل مهم در جهت تضعیف انقلاب عمل میکنند. این سه عامل عبارتند از:

- ۱- فعالیت همه جانبه ضد انقلاب.
- ۲- اقدامات مخرب افراطیون راست و چپ.
- ۳- ضعف دولت در مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی.

مخالف وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، که از گسترش دستاوردهای انقلاب در جهت منافع خلق (مانند ملی شدن بانکها و شرکتهای بیمه، ملی شدن بخشی از کارخانه های بزرگ و صنایع کلیدی، مصادره بخشی از اموال غارتگران و زودان و خائنین) و از گسترش دستاوردهای انقلاب در سمت مبارزه با رباخواری و تراکم ثروت، سفته بازی زمین و غیره ناخشنود است، میکوشد تا از شتابگیری بیشتر این روند کلی جلوگیری کند و در صورت امکان آنرا بعقب برگرداند. این تلاش، در عمل، آگاهانه یا نا آگاهانه، بسود ضد انقلاب است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تحلیلی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، از آینده گسترش پیشامدها داد، این وضع را بدترستی پیش بینی کرد. در گزارش هیئت اجرایی کمیته مرکزی به پلنوم ۱۶، در اسفند ماه ۱۳۵۷، در این زمینه چنین گفته شده است:

«...جنبش، با مسائل بسیار بن رنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز سنگرهای مهمی را در دستگاههای دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده اند و از دست آشتی با جنبش خلق در آمده اند تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جابزنند و اهرمهای فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره بسایک توطئه خائنانه جنبش را غافلگیر کرده و سرکوب نمایند...»

مسلم است که بورژوازی لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، میکوشد جنبش را در چهارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگهدارد و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواسته های طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب روبرو گرداند و با باقیمانده های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان بکار اندازد. بسایده انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده ها رخ دهد.

با کمال تأسف باید پذیرفت که غیر از نیروهای سوسیالیستی که آگاهانه برای جلوگیری از گسترش انقلاب و تثبیت دستاوردهای آن کام بر میدارند، گروهها و نیروهای از خلق هم هستند که با عمده کردن جهات فرعی از خواسته های خلقی و یا لاقل جهات غیر عمده در لحظه کنونی، با ارزیابی نادرست از لحظه ای که مادر آن قرار گرفته ایم و با پافشاری و تلاش برای برقراری سلطه انحصاری طرز فکر جامد و قشری خود، مسائل و خواسته های رام طرح میکنند و یا دست به اقداماتی میزنند که مورد بهره گیری از سوی ضد انقلاب قرار نمیگیرد. این گروهها و نیروها، که در جناحهای افراطی راست و چپ جنبش قرار گرفته اند، با تلاشها و اقدامات انحصار طلبانه قشری و یا با موشکوبیها و اقدامات ناسنجیده سیاسی، نا آگاهانه به ضد انقلاب وسیله وامکان میدهند که فوراً عوامل خود را بپرچمهای افراطی آنان به میدان وارد کنند، آنها را بجان همدیگر بیندازند و آتشی جنگهای داخلی را در جبهه نیروهای انقلابی برافروزند، آنهم درست در لحظه ای که امپریالیسم آمریکا میکوشد، تا با دستیاری عوامل خود،

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران:

خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید میکند

میخواهند مشکلات غیر قابل حل بوجود آورند

يك رشته موضعیها واقدمات گروههای چپ افراطی و ملی گرا در کردستان، خوزستان و کرمان و سایر نواحی خاص در بلوچستان را نیز باید در همین چهارچوب مورد قضاوت قرار داد. در این میدانهای مبارزه، امپریالیسم و ارتجاع می کوشند ناراضیهای ناشی از سیاست رژیم گذشته را در زمینه حقوق حقه خلقهای غیر فارس ایران با اختلافات مذهبی شیعه و سنی و همچنین اختلافات ناشی از مبارزات طبقاتی قشرهای محروم و زحمتکش علیه ملاکان و خانهای عشایر و سرمایه داران غارتگر، در کلاف سردرگمی بهیچانند و از آن مشکلی غیر قابل حل بوجود آورند. در چنین معرکه ای، هر اشتباه کوچک چه رسد به اشتباهات بزرگ - نیروهای راستین انقلابی، به نیروهای افراطی راست امکان و بهانه میدهد که با ماسکهای گوناگون، مبارزه را از عرصه ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی اش خارج سازند و از سوی دیگر به امپریالیسم و ارتجاع امکان می دهد که از آب گل آلود ماهی بگیرند و بسا وارد ساختن عناصر خود در صفوف نیروهای راستین انقلابی، با دسیسه و تحریک، هر روز در گریهها را بشرنج تر سازند و آتش نفاق و چند دستگی را بیشتر شعله ور کنند.

بنظر حزب توده ایران، در لحظه کنونی مسئولیت بسیار سنگینی بردوش این بخش از نیروهای انقلابی ایران، یعنی نیروهای صدیق افراطی مذهبی و افراطی چپ و ملی گرا است. ادامه این افراط گرایی زبانهای جبران ناپذیری به عمده ترین وظیفه روز همه نیروهای راستین انقلابی، یعنی تلاش در ایجاد جبهه متحد خلق علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم شاه مخلوع وارد می سازد. بنظر حزب ما، وظیفه تاریخی این نیروهاست که هر چه زودتر و بدون تأخیر، مجموعه سیاست خود را مورد تجدید نظر نقادانه قرار دهند و اشتباهات جدی خود را بشناسند و سمت گیری سیاسی خود را با خواستهای عینی لحظه کنونی انقلاب ایران منطبق سازند. چنین موضعی را انقلابی با ابراز شهامت انقلابی امکان پذیر است.

۳. سومین عامل تضعیف کننده جنبش انقلابی، ناتوانی دولت در مقابله و مبارزه با مشکلات اجتماعی و اقتصادی است.

این همان وضعی است که بارها از طرف امام خمینی یادآوری شده است و در همه زمینها، یعنی در زمینه سیاست خارجی، سیاست داخلی، سیاست نظامی و سیاست اقتصادی چشمگیر است.

بدون تردید مشکلاتی که اکنون در مقابل انقلاب ایران قرار گرفته اند و گسترش آنرا ترمز می کنند، سرچشمه های گوناگون دارند. این مشکلات بسیار زیاد و جدی هستند و در مجموع خود از ۴ منبع سرچشمه میگیرند:

- اول، ارتبه و وحشتناک و دردآور رژیم غارتگر، جنایت پیشه و خائن سرنگون شده شاه مخلوع، یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم، و به سخن دیگر مشکلات ریشه کن ساختن وابستگی به امپریالیسم.

- دوم: مشکلات ناشی از دوران مبارزه خلق علیه رژیم منقرض پهلوی.

- سوم: مشکلات ناشی از خرابکاریهای پسر دامنه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ما، یعنی امپریالیسم امریکا و همدستانش، بازماندگان رژیم خائن شاه سابق و محافل ارتجاعی ایران.

- چهارم: مشکلات ناشی از تلاشهای نیروهای سازشکار وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، که گسترش انقلاب را در جهت تأمین منافع طبقات زحمتکش، مخالف منافع سودجویانه خود میدانند و با تمام نیرو در صدد ترمز کردن گسترش خلقی انقلاب اند.

اینها مشکلات عظیمی است. میهن پرستان و مبارزان راستین انقلابی ایران خوب میدانند که همه این مشکلات از امروز تا فردا حل شدنی نیستند. ولی آنچه مردم ایران خواستار هستند، و متأسفانه تاکنون دولت نتوانسته است آنرا انجام دهد، اینست که قانع شوند دولت، با بهره گیری از همه امکانات موجود، همه نیروهای خلق را برای رفع این مشکلات تجهیز می کند و بکار می اندازد.

درست در همین زمینه است که دولت تاکنون که نزدیک به شش ماه از پیروزی انقلاب می گذرد، ضعف و ناپه گیری و عدم قاطعیت نشان داده است. شش ماهی که گذشت، شش ماه حساس و دوران ساز پس از انقلاب بود، شش ماهی که شور انقلابی مردم و آمادگیشان برای کار سازنده، برای فداکاری در عالی ترین سطح قرار داشت. شش ماهی که ارتجاع و امپریالیسم به علت لزوم پایداری دستگاههایشان، هنوز فرصت تجدید سازمان و آغاز حمله نداشتند.

در این شش ماه دولت، که از پشتیبانی امام خمینی و از حمایت اکثریت مطلق مردم برخوردار بود، اگر بشیوه های

نظریات افراطی های مذهبی برخلاف نظریات امام خمینی است که عقیده دارند، برخی روحانی نماهای نادرست حتی از ساواکیها هم بدترند. افراطیهای مذهبی معتقدند که هر کس، در هر جای، به راست زیر پرچم اسلام و یا به دروغ با ماسک اسلام عملی کرد، بحق است، ولی هر کس، در هر جای، نظریات اجتماعی و فلسفی دیگری را، هر قدر هم انسانی و عادلانه باشد، دنبال کرد، ناحق است و باید نابود گردد. برای این قشریون راست دشمن عمده، امپریالیسم امریکا نیست. ما شاهد آن بوده ایم که در تظاهرات گوناگون، این قشریون کوشیده اند شعار گویای «مرگ بر سه مفسدین، کارترو سادات و بگین» را مسکوت گذارند و شعار «اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است» را طنین انداز سازند، یعنی شعاری که امریکا و صهیونیسم را فراموش میکنند و هدفش منحرف کردن سمتگیری اصلی انقلاب همه خلقهای محروم جهان، یعنی سمتگیری ضد امپریالیست و صهیونیست است، شعاری که از جمله مستقیماً علیه مبارزه خلق فلسطین است.

پيامد این موضعی اینطور میشود که برخی از همان کسانی که علیه تسلط امپریالیسم و تحریکات صهیونیسم در ایران مبارزه کرده و میکنند، خون داده و آماده جان دادن هستند، از رژیم ارتجاعی نظامی پاکستان، که تار و پودش با امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع بهم پیوسته است، پشتیبانی نمایند، از توطئه رژیم ساواکیها و ملاکان خون آشام افغانستان علیه رژیم خلقی آن کشور (تنها بر این پایه که این خرابکاران بدروغ و به ریا ماسک تزویر آمیز مبارزه در راه اسلام را بر چهره خود زده اند) حمایت کنند و میلیون میلیون پول زحمتکش و مستضعفین ایران را برای پشتیبانی غارتگران رژیم پوسیده سلطنتی افغانستان پردازند.

توسعه نفاق بین نیروهای ضد امپریالیستی و خلق

بطور کلی عمل نیروها و گروههای افراطی راست، که در بسیاری از احزاب و گروههای مذهبی هم جا گرفته اند و در سیاست آنها تأثیر میگذارند، بطور عمده در جهت توسعه نفاق در میان نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی، هم در درون جامعه ایران و هم در میان جبهه ضد امپریالیستی در مجموعه منطقه است. پيامد این سیاست، آبی است که نا آگاهانه به آسیاب دشمنان انقلاب ایران ریخته میشود.

و اما پيامد سیاست قشری و کسوت پنهان گروههای افراطی چپ هم از این کمتر زیا نبخش نیست. این گروهها، که ما در صداقتشان تردید نداریم، چه در گذشته، با توسل به شیوه های نادرست مبارزات تروریستی و چه پس از انقلاب، با توسل به شیوه های وحدت شکنانه گروهی و قشری، بصورت مانعی در راه تفاهم نیروهای راستین انقلابی مذهبی و هواداران سوسیالیسم علمی در آمده اند و بسا موضع گیریهای نادرست خود در عمده ترین مسائل سیاسی در لحظه کنونی، نقش موثری در رشد نهادهای نفاق افکنانه در میان نیروهای را داشته و دارند که با لقوه به جبهه متحد خلق تعلق دارند، جبهه ای که هدفش در لحظه کنونی ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و همدستانش و نابود ساختن بقایای رژیم سرنگون شده شاه خائن، تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و ایجاد تغییرات بنیادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران است.

این گروههای افراطی چپ، با ارزیابی نادرست خود از این نیروهای بالقوه و از دوستان و دشمنان واقعی انقلاب ایران در دوران پس از انقلاب، عملاً در زمینه مهمترین مسائل، در کنار نیروهای وابسته به ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفته اند. تصادفی نیست که مقالات این گروهها در درجه اول از طرف آن روزنامه های مسرور پشتیبانی بی قید و شرط قرار می گیرند که صاف و ساده گردانند گانشان از وابستگی شناخته شده ساواک هستند و آگاهانه به امپریالیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن خدمت کرده اند. تصادفی نیست که تاکنون تمام تیزی تبلیغاتی این گروههای افراطی چپ، همراه با همان روزنامه ها، علیه حزب توده ایران بوده است. تصادفی نیست که موضعیها در مبارزات و فعالیت سیاسی این گروهها تا همین اواخر در بسیاری از موارد - اگر نکوئیم در همه موارد - (از جمله در مورد تحریم رفتارندم - برای جمهوری اسلامی) منطبق یا بموازات موضعیها و اقدامات سیاسی گروههای چپ نما مانند گروههای ماوئیستی و تروسیستی و نظایر آنها بوده است، که همگیشان به انحاء و اشکال مختلف با امپریالیسم و ضد انقلاب همکار و همکامند.

بقیه از صفحه قبل
عناصر صادق انقلابی، که بر اثر نا آگاهی، در این دام خطرناک می افتند.

محافل وابسته به امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن، از یکسو بدست عمال ساواک و سیا و موساد، زیر نام گروه «فرقان» شخصیتهای مذهبی را بخون میکشند و از سوی دیگر در میان مردمی که بحق بر اثر این توطئه های جنایت آمیز عصبانی شده اند، بوسیله عمال دیگر خود، شعار «مرگ بر کمونیسم»، «کمونیستها اعدام باید گردند» را پخش میکنند.

همین محافل، بدست عناصر و گروههای ماسکدار خود از قبیل ماوئیستها از یکسو و «ساواکیهای تازه مسلمان شده» از قماش «تهرانی» هائی که آزادانه در خیابانها میگردند، از سوی دیگر، نیروهای چپ و راست افراطی را علیه هم تحریک میکنند. در همین میان نارنجکی را در مسجد خر مشهر منفجر میکنند و بعد در اطراف آن چنان جو تبلیغاتی بوجود می آورند که حتی کسی مانند آیت الله منتظری، با آن همه تجربه زندگی، در دام می افتد و اظهار نظری آنقدر نا عادلانه ابراز میکند، همین ساواکیها در روستاها خن مهتار آتش میزنند، کارگران را تحریک میکنند، بوسیله مطبوعات وابسته به رژیم سابق، که در اختیار آنهاست، زیر ماسکهای گوناگون هواداری از «چپ»، هواداری از «دموکراسی» فضای سیاسی را مسموم میسازند و بعد بوسیله عناصر خود در راست، با همین بهانه ها یک جوشد نیروهای راستین انقلابی، ضد کشورهای سوسیالیستی، که کوچکترین ارتباطی با همه این جریانها ندارند، بوجود می آورند.

عناصر ضد انقلاب و موساد و ساواک، از یکسو از راه کشورهای ارتجاعی عربی، از راه پاکستان و خلیج فارس اسلحه به ایران وارد میکنند، که بخشی از آنها سلاحهای است که اسرائیل از خلق سلاح چند ارتش مصری در صحرای سینا بدست آورده، یعنی همان سلاحهایی که اتحاد شوروی به جمال عبدالناصر برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم داده بود، و از سوی دیگر، مستقیم و غیر مستقیم، بوسیله عوامل خود در رادیو تلویزیون و مطبوعات، بوسیله مأموران خود در میان گروههای افراطی راست، این افسانه را شایع میکنند که چون بخشی از این سلاحها ساخت شوروی است، پس اتحاد شوروی این سلاحها را پخش میکند و چون اتحاد شوروی پخش میکند، پس کمونیستها هستند که گوید این توطئه ها دخالت دارند! امپریالیستها آنقدر ماهرانه این بازی چینی را روی صحنه می آورند که گاه حتی عناصر با حسن نیت را دچار تردید میسازند.

سخن کوتاه، امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم شاه مخلوع، نیروهای بهم ریخته و فراری خود را هر روز بیشتر گردهم می آورند، متشکل میسازند، مجهز میکنند و از راههای مختلف برای ترور، خرابکاری، آتش سوزی، فلج کردن اقتصاد، دامن زدن به ناخشندهای مردم، نفاق - افکنی، تفرقه اندازی، برپا کردن جنگهای برادر کشی خانگی و ... وارد میدان عمل میسازند و هر روز گستاخ تر میشوند.

۲. مجموعه اقدامات زیان بخش گروههای افراطی راست و چپ و پیامدهای خطرناک آن، دومین عامل را تشکیل میدهد که بوسیله آن، نا آگاه آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران ریخته میشود.

ما بر حذر باشای امام خمینی را تأیید میکنیم که هر روز و تقریباً در هر برخورد با دیدار کنندگان، روی اهمیت تاریخی وحدت همه نیروهای ضد امپریالیست و مدافع منافع خلقیهای زحمتکش تکیه میکنند.

نیروهای افراطی راست و چپ، بنظر ما، آگاهانه وابسته به امپریالیسم و رژیم گذشته نیستند، ولی بعلمت کسوت نظری در سیاست، همه چیز را تنها از دریچه های تنگ افکار قشری راست و یا چپ خود میبینند و «صحت» نظر خود را مطلق میسازند و با هر آنچه عیناً با آن انطباق نداشته باشد، از در ستیز در می آیند و میکوشند با اعمال بی رویه و غیر منطبق با اصول آزادی و برابری، نظریات خود را بر دیگران تحمیل نمایند. پيامد عمل این افراطی های راست و چپ این است که، مسائل فرعی برای آنها، حتی در حساس ترین لحظات خطرناک برای مجموعه جنبش، اهمیت درجه اول پیدا میکند و در نتیجه توجه شان به مهمترین جهات مبارزه انقلابی دچار ضعف میگردد.

دنباله نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران:

خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید میکند

بقیه از صفحه قبل

انقلابی به حل مشکلات برخورد می‌کرد و می‌توانست در هر لحظه عمده را از غیر عمده جدا سازد، اگر دولت می‌توانست، بدون پیشداوریهای ذهنی، از همه نیروها و امکانات مادی و انسانی درون جامعه‌ها و امکانات عظیم مساعد جهانی بسود جنبش انقلابی ایران بهره‌گیری کند، انقلاب ایران می‌توانست اکنون به دستاوردهائی به مراتب عظیم‌تر بیابد.

زیان‌هایی که به رشد جنبش انقلابی وارد آمده است

بحث مادی باره آن چیزها نیست که هم لازم بود و هم ممکن بود در این فاصله زمان انجام گیرد و تنها به علت ناتوانی دولت در برگزیدن شیوه‌های انقلابی، که یگانه شیوه مؤثر در در دورانهای انقلاب است، انجام نگرفته و زیانهای بسیاری به رشد جنبش انقلابی مادر راه ریشه کن ساختن استعمار و استبداد وارد ساخته است.

این ناتوانی بطور عمده ناشی از موضعگیری روشن طبقاتی دولت است. سیاست دولت بطور عمده در چهارچوب خواسته‌های سرمایه‌داری لیبرال ایران حل میشود و روشن است که این خواسته‌ها بطور ریشه‌ای با خواسته‌های مردم و جنبش انقلابی ایران، که بنا بر گفته امام خمینی، انقلاب مردم زحمتکش شهر و روستا، یعنی کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و دانش‌جویان و فروشندگان خرده‌پا، بوده است، تفاوت دارد.

انقلاب ایران چهار هدف عمده در مقابل خود قرار داد، این چهار هدف که در راهنماهای امام خمینی بازتاب یافته‌اند، عبارتند از:

- **اول:** بر انداختن رژیم غارتگر، جنایت‌پیشه و خائن شاه.
- **دوم:** ریشه کن کردن تسلط غارتگرانه و استبداد-جویانه امپریالیسم و صهیونیسم و بویژه امپریالیسم امریکا، که امام خمینی، بعنوان زبان گویای همه میهن‌پرستان ایران، آنرا دشمن شماره یک مردم ایران اعلام کردند.
- **سوم:** تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه خلق‌های ایران و حق تعیین سرنوشت برای ملیت‌های ساکن کشور ایران.
- **چهارم:** تأمین عدالت اجتماعی بسود محرومین جامعه. یعنی خاتمه دادن به غارتگری چپاولگران رنگارنگ نژوت ملی و محصول کار زحمتکششان و بهبود همه‌جانبه زندگی مردم محروم و بویژه کارگران و دهقانان زحمتکش.

مسئله رسیدن به این هدفها کار آسانی نبود و هنوز هم نیست. برای رسیدن به این هدفها، که تمام زندگی سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و فرهنگی میهن ما را، با همه پیچیدگیها و پیچیدگیهایش، در بر میگیرد، یک برخورد عمیقاً انقلابی و خلقی ضرورت دارد.

این برخورد باید بر پایه تأمین منافع خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران انقلابی و سرمایه‌داران کوچک و متوسط میهن پرست بنسباً شود. سیاست دولت در برخورد بسا حرکت جنبش بسوی همه این آماج‌ها نیز غیر قاطع، ناپیکر و متزلزل بوده و هنوز هم ادامه دارد. مثلاً در مورد ریشه کن کردن تسلط سیاسی-نظامی امپریالیسم امریکا، دشمن شماره یک مردم ما، قرارداد دو جانبه ایران و امریکا، که به بزرگترین سند خیانت رژیم شاه مخلوع و سنگین‌ترین زنجیر اسارت بر دست و پایی خلق ما بود، هنوز بقوت خود باقیست و دولت به بهانه‌های بکلی ناوارد، از پاره کردن آن سر باز می‌زند. تا بحال در تمام تاریخ چند صد ساله اخیر جهان دیده نشده

است کسسه خلقی از راه مماشات و سازش زنجیرهای اسارت استعماری و امپریالیستی دایره کرده باشد. هواداران سیاست امریکا در ایران، با استفاده از این روش مماشات و سازشکارانه دولت، بخود امید میدهند که دوباره راه را برای بازگشت مستشاران امریکائی به سر بازخانه‌های ایران باز کنند و از این راه بازم ۱۵ و ۱۳۲۷ بهمن ۱۳۲۷ و ۲۵ تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را با قیافه‌های تازه‌ای بی‌ریزی نمایند.

مماشات با بازماندگان رژیم سابق در زمینه‌های اقتصادی

نمونه دیگر این سیاست مماشات دولت با بازماندگان رژیم سابق را، در زمینه اقتصادی می‌بینیم. از همان روز پیروزی انقلاب روشن بود که بانکهای خصوصی یکی از عمده‌ترین پایگاههای اقتصادی برای غارتگری انحصارهای مالی امپریالیستی رژیم سرنگون شده وابسته بان هستند و لذا لازم بود بیدرنگ تحت کنترل دولت انقلاب قرار گیرند.

دولت برای انجام این کار پنج ماه وقت گذاشت و پس از آنکه این بانکها، همانطور که هر کس میتواند پیش‌بینی کند، میلیاردها تومان به جیب سرمایه داران بزرگ و سایر غارتگران ریختند، با دستور شورای انقلاب به زیر کنترل دولت درآمدند.

این روش مماشات با غارتگران در همین زمینه باز باین صورت ادامه دارد که مدیران بانکها، تقریباً از میان همان کسانی انتخاب شده‌اند که در گذشته گرداننده این بانکها بوده‌اند، تنها با این تفاوت که آنها را کمی بر زده‌اند و از این بانک به بانک دیگری منتقل ساخته‌اند.

نمونه دیگر را در برخورد دولت به مسئله ارضی می‌بینیم. وزارت کشاورزی پس از شش ماه که از انقلاب میگذرد و اینهمه درباره لزوم توجه به مسئله کشاورزی سخن پراکنی میشود، مانند کوهی بلرزه در می‌آید و موشی میزاید و بیک کلام «حفظ وضع موجود» را بعنوان محصول انقلاب ایران به میلیونها دهقان کم زمین و بی‌زمین وعده میدهد! واقعیت هم اینست که، چگونه ممکن است یک زمین‌دار بزرگ حل مسئله ارضی را بسود دهقانان کم زمین و بی‌زمین حل کند؟

آقای مهندس بازرگان تاکنون ناتوانی دولت را تنها به نداشتن اختیار و مداخله کمیته‌های امام در امور اجرایی و اختلاف نظر موجود بین رهبری و شورای انقلاب و دولت مربوط می‌کند. مسلم است که وجود دومرکز اجرایی در گذشته موجب مشکلاتی بوده است. ولی بنظر ما تصمیمات مربوط به ملی کردن بانکها و بیمه و بخشی از صنایع و پاره اعدام انقلابی عده‌ای از چپاولگران و گردانندگان رژیم گذشته و ساواکیها همه از مرکز دوم اجرایی، یعنی از شورای انقلاب و کمیته مرکزی انقلاب سرچشمه گرفته است و دولت در همه این زمینه‌ها نه تنها نقش مبتکر و فعال نداشته، بلکه در مواردی نقش جدی ترمز کننده را ایفا کرده است.

در حال با تصمیمات آخر تیرماه و ادغام شورای انقلاب و دولت، این بهانه دیگر وجود ندارد و آینده نشان خواهد داد که این ناتوانی در درجه اول ناشی از ماهیت طبقاتی دولت است- آنطور که تاکنون بشبوت رسیده- یا علل دیگری دارد.

منافع سرمایه‌داری لیبرال

این ناتوانی دولت در مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات عظیمی که در مقابل انقلاب ایران قرار گرفته، بطور عمده ناشی از اینست که سیاست دولت در چهارچوب منافع سرمایه‌داری لیبرال ایران محدود میشود. این قشر در انقلاب شرکت کرده، ولی هدفهایش با هدفهای مجموعه جنبش انقلابی، که در درجه اول متکی به طبقات محروم و زحمتکش جامعه است، تفاوتی بنیادی دارد.

همه ضعفها و ناتوانیهای دیگر دولت در همه زمینه‌های عملکردش ناشی از همین وابستگی است. اینکه دولت در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا قاطعیت نشان نمیدهد، اینکه دولت در مسئله تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی و تأمین حقوق خلقها سستی نشان میدهد و در مبارزه علیه گورکنان آزادی (بازماندگان رژیم سرنگون شده) مماشات میکند، اینکه دولت حتی از انتشار فهرست کارگزاران ساواک، که برخی از حساس‌ترین پست‌های دولتی و اجتماعی و رسانه‌های گروهی را در دست دارند و با تمام نیرو از امکانات خود علیه انقلاب بهره‌گیری میکنند، خودداری میکند، اینکه افرادی از دولت بجای آنکه نیروی خلق، نیروی پاسداران و نیروهای دولتی در حال تجدید سازمان را برای مبارزه علیه ضد انقلاب، علیه عوامل امپریالیسم امریکا و اسرانیل و شاه مخلوع، علیه خرابکاران سیا و موساد و ساواک تجهیز کنند و آماده سازند، تنها تلاششان، تجهیز این نیروها علیه نیروهای انقلابی و میهن‌پرست داخلی است که با تمام جان در انقلاب شرکت کرده‌اند و از آن پشتیبانی میکنند، علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی است که از انقلاب ایران پشتیبانی کرده و میکنند، اینکه در سیاست خارجی، از ترس اینکه مبادا «قلب لطیف» امپریالیسم امریکا جریحه‌دار شود، مثلاً هنوز از برسمیت شناختن کوبای انقلابی لطفه می‌روند، اینکه دولت در مسئله بکار انداختن کارخانه‌ها از مراجعه به نیروی سازنده خلق، از بکارگرفتن بخش مهمی از میهن پرستان، بدلیل عقیدتی، خودداری میکند، آری همه اینها پیامد همان بیماری اصلی، یعنی موضعگیری طبقاتی دولت کنونی است.

این ناتوانی دولت، مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات، یکی از سه عامل عمده تضعیف کننده جنبش انقلابی در مرحله کنونی است و میتواند در کنار عوامل دیگر، موجب پیامدهای ناگوار و دردناک برای انقلاب شود. این ناتوانی دولت مستقیماً موجب تقویت عامل اول، یعنی فعالیت ضد انقلاب میشود و به آن امکان میدهد که هر روز بیشتر از ناراضیهای حاصله از این سیاست دولت بهره‌گیری کند.

جبهه متحد خلق: تنها راه

بنظر حزب توده ایران، یگانه راه چیره شدن سریع بر مشکلات عظیمی که در مقابل جنبش انقلابی میهن ما قرار دارد، بوجود آوردن **جبهه متحد خلق** از همه نیروهای است که بدون چون و چرا خواستار رسیدن به چهار هدف اصلی انقلابند و دفاع از منافع مشترک توده‌های ده‌ها میلیون زحمتکش شهر و ده، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران میهن‌پرست و سرمایه‌داران کوچک و متوسط و ملی را در سر امر ایران پایه سیاسی و عملی خود قرار میدهند. تنها تشکیل چنین جبهه‌ای میتواند همه نیروهای خلق را برای بازسازی و نوسازی اقتصادی و اجتماعی ایران مجهز کند، عناصر افراطی را منفرد سازد و دیسه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را نقش بر آب نماید، دستاوردهای انقلاب را بازگشت ناپذیر کند و انقلاب را با گامهای پرتوانتر و پرشتاب‌تر به پیش برد. و چنین جبهه‌ای تنها بر پایه پذیرش یک برنامه روشن انقلابی میتواند بوجود آید.

حزب توده ایران تاکنون، در موارد گوناگون، بطور مشروح نظر خود را درباره برنامه حداقل یک چنین جبهه‌ای بیان داشته و پیوسته آماده است که با همه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی میهن‌پرست و مدافع منافع خلق برای بی‌ریزی این جبهه، با همه نیرو همکاری کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهران - دوم مرداد ۱۳۵۸

در «لشت نشا» شورای ده

با اتکای به روستائیان

تشکیل شد

تشکیل شد. شورای ده اول چهار نفره و شورای ده دوم شش نفره است. بنا بگزارش واصله، همه افراد شورای ده از روستائیان خوشنام و مورد احترام اهالی بوده و با توافق آراء انتخاب شده‌اند.

شورای ده از مسولان دولتی و محلی خواسته‌اند که پشتیبان شورای ده اول باشند.

از لشت نشا خبر رسید که روستائیان دهکده توده شورای پنج نفری ده را انتخاب کردند. دهقانان در مسجد جامع ده اجتماع کردند و درباره مسائل ده و کار و زندگی خود بحث کردند و برای اینکه سرنوشت امور روستای خودشان را تعیین کنند، **شورای ده** را انتخاب کردند. صورتحلیله این اجتماع به امضای ۲۵ نفر حاضرین رسید و رونوشت آن به کمیته امام و به بخشدار لشت نشا فرستاده شد. شورای ده به همکاری مردم برای حل مسائل متکی است. در روستاهای **زیباکنار** و **چونچنان** نیز شوراهای روستائی

گذری به لاله‌زار...

ساخت. آخرین بازمانده لاله‌زار، که کما بیش تا همین اواخر از اصالتی برخوردار بود، «روحوضی» بود، که آنهم بخاطر منع سوزنهای اجتماعی انتقاد برانگیز، به هنری «بی‌خطر» تبدیل شد، و این با ماهیت پر خاشجوی آن ناسازگار بود. و از اینرو، در افتاد. ابتذال عمیق «لاله‌زار» یکسره معلول حاکمیت رژیم مبتذل پسند پهلوی است. امرهای سیاسی حاکمیت رژیم پهلوی در انقلاب عظیم ملی و دموکراتیک در هم شکست، اما در هر انقلابی، رونمای فرهنگی پیشین تا دیر زمانی جان سختی نشان میدهد و مدت‌ها به زندگی انگل وار خود ادامه میدهد و این، نظم و سامان نورا همواره تهدید میکند. انقلاب تنها زمینه عینی نابودی عناصر فرهنگی ضد مردمی و غیر خلقی را از همه سو فراهم میسازد. از اینجاست که تئاتر «لاله زار» همچنان در بند کلیشه‌های هنری عوام فریب و ضد خلقی باقی مانده است، و نیز درست از همین جا است که تماشاگر لاله‌زار دیگر با خشنودی سالن را ترک نمیکند.

زمینه بارها تقاضا کرده‌اند، منجمله در ۲۶ بهمن ۵۷ به هیئت مدیره شرکت تعاونی و در ۲ اردیبهشت امسال به سازمان تعاونی مرکز، ولی شرکت ملی نفت تاکنون توجیهی نکرده است. خواست دوم آنها مربوط به راه ارتباطی بین رشت و لشت نشا است که از نظر اقتصادی و زندگی مردم و حوائج رفاهی اهمیت فراوان دارد. درباره این مسئله اخیر حتی شخصاً هم بدفتر «مردم» مراجعه شده‌است.

اخبار کارگری

کارگران چاپخانه‌های همدان شدیداً استثمار می‌شوند

می‌شوند

در همدان هفت چاپخانه وجود دارد که در آنها حدود ۵۰ کارگر روزمزد و بیمانی کار میکنند.

حد اکثر دستمزد در این چاپخانه‌ها روزانه ۳۵ تومان است، که آنهم بکارگران پر سابقه پرداخت میشود. کارگران جدیدالورود، که اکثراً نوجوان هستند، در اثناء هشت ساعت کار، روزانه گاه ۱۰ تومان و حتی کمتر مزد میگیرند. شرایط کار در این چاپخانه‌ها فوق‌العاده دشوار و نرخ استثمار بالاست.

اخیراً کارگران این چاپخانه‌ها خواستهای خود را بشرح زیرین تدوین و با ارسال آن برای کارفرمایان و مقامات مسئول، تسلیم کردند که اگر به این خواستها رسیدگی نشود، دراستانداری دست به تصحیح خواهند زد.

- ۱- برابری حقوق با هزینه زندگی،
 - ۲- ۴۸ ساعت کاردر هفته،
 - ۳- بیمه درمانی،
 - ۴- پرداخت سود ویژه طبق قوانین کار،
 - ۵- اضافه کار معادل ۳۵٪ ساعت حقوق در روز،
 - ۶- استفاده از تعطیلات رسمی در سال،
 - ۷- مرخصی طبق قوانین جدید وزارت کار،
 - ۸- لباس کار،
 - ۹- روزی یک لیوان شیر،
 - ۱۰- حق مسکن - حق اولاد،
 - ۱۱- وضع بهداشتی کارگاه،
 - ۱۲- جلوگیری از کار افراد غیر صالح
 - ۱۳- دارا بودن حق اعتصاب،
 - ۱۴- کارفرما حق بیرون کردن کارگر را ندارد مگر با نظر شورای کارگران چاپخانه‌ها،
 - ۱۵- اجازه تحصیل به کارگران،
 - ۱۶- بالا بردن تعرفه دولتی برای کارهای چاپی،
- نماینده اداره کار برای رسیدگی به خواستهای کارگران چاپخانه‌های همدان با کارگران تماس گرفته است.

سندیکای کارگران و شورای کارگران

مدتی است که در کارخانه‌ها و کارگاهها بحث درباره **شورا** یا **سندیکا** در گرفته است. عده‌ای در لباس «چپ» و برخی در جامه راست، در میان کارگران تبلیغ میکنند که در کارخانه‌ها باید شوراهای کارگری تشکیل شود و نیازی به سندیکای کارگری نیست. آنها شورا را جانشین سندیکا ساخته‌اند و معتقدند که سندیکا یک مقوله کهنه است.

شورا و سندیکا دو نهاد مختلف‌اند که نمیتوان یکی را جانشین دیگری ساخت و این دو را در برابر هم قرار داد. بموجب تعریف قانون کار و پیش نویس قانون اساسی، سندیکا برای دفاع از حقوق صنفی مجموعه زحمتکشان است که در یک موسسه، یا یک شهر و یک کشور فعالیت میکنند. علاوه بر این، جنبش سندیکائی پس‌دیده خاص یک کشور نیست و در سراسر جهان این جنبش، صرفنظر از نظام حکومتی، وجود دارد. وظایف سندیکا در نظامهای مختلف تغییر میکند و هر قدر نظام کشوری مترقی‌تر باشد، وظایف سندیکا در آن وسیع‌تر است.

در منشور ملل متحد بر ضرورت تشکیل کارگران در سندیکاها تصریح شده است و نیز در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، که ایران در آن عضویت دارد، بر لزوم سندیکاها تأکید شده است و نمایندگان سندیکائی کشورهای مختلف در جلسات سالانه این سازمان شرکت میکنند و خواستهای کارگران را مطرح می‌سازند. دولت ایران با قبول عضویت در این سازمان، اجرای مقوله نامه‌های آنرا متعهد شده است.

مقوله نامه شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار در باره آزادیهای سندیکائی و حمایت از حقوق سندیکائی، که در کنفرانس کار سال ۱۹۴۸ (این کنفرانس از ۱۷ ژوئن تا ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۸ در سانفرانسیسکو برگزار شد) بتصویب رسید، مورد تأیید دولت ایران قرار گرفته است و در مسافرت اخیر نیز، آقای داریوش فروهر وزیر کار، باردیگر تمهید دولت ایران را در مورد اجرای این مقوله نامه تصریح کرد.

اما در مورد شوراهای باید گفت که وجود سندیکا، شورا را نفی نمیکند و عکس آن نیز صحیح است. زیرا همانطور که در آغاز خاطر نشان ساختیم، این دو، دو مقوله جداگانه‌اند و وظایف آنها نیز متفاوت است.

ما طرفدار آنیم که در تمام کارخانه‌ها و موسسات تولیدی، در شهرها و در روستاها شوراهای تشکیل شوند. اما هدف از تشکیل شورا در هر موسسه و هر منطقه باید روشن و مشخص باشد و با وظایف سندیکا تداخل نکند. مثال میزنیم، در یک کارخانه وظیفه شورا عبارتست از: نظارت بر تولید و کوشش برای بهبود وضع تولید. در این کارخانه، شورا میتواند از نمایندگان مجموعه کارگران و کارکنان کارخانه تشکیل شود، که در این صورت نمایندگان کارگران، از طریق سندیکا به شورا معرفی میشوند؛ و یا شورای کارگاهی میتواند با شرکت نماینده کارگران و به معرفی سندیکا و نماینده کارفرما برای حل اختلافات جزئی و رسیدگی به خواستهای مشخص کارگران و کارفرمایان تشکیل شود؛ و نیز شورای عالی کار برای حل برخی مسائل مربوط به روابط کارگری و کارفرما و از جمله رسیدگی به طرحهای قوانین کار و بیمه و غیره... و تنظیم آئین نامه‌های مربوطه تشکیل میشود. بدین سان ملاحظه میشود که هر شورا مفهوم خاص خود را دارد و هدف از تشکیل آن میباشد با دقت کامل معین شود.

اما سندیکاسازمان صنفی طبقه کارگر است و سندیکای واقعی برای دفاع از منافع و خواستهای صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان در مقابل استثمار کارفرمایان تشکیل میشود و باید بوسیله نمایندگان منتخب کارگران هر کارخانه یا حرفه یا صنف، تحت نظارت دائمی خود کارگران، رهبری شود. همچنین سندیکاهای حرف و صنایع مختلف، چه در مقیاس شهرستانها و چه در سطح یک کشور، میتوانند برای مشخص کردن هدف مشترک و تنظیم برنامه برای مبارزه مشترک تشکیل شود. بهر حال، نمایندگان یک سندیکا، تنها از طرف کارگران و زحمتکشان یک حرفه یا یک کارگاه انتخاب میشوند.

بطور خلاصه مبارزه سندیکائی، یکی از اشکال عمده مبارزه طبقاتی کارگران علیه تسلط سرمایه است و وظیفه پیشاهنگ طبقه کارگر است که در این زمینه قشرهای وسیع کارگران را روشن کند و آنانرا از دام تبلیغات واهی و از شیوع سوء تفاهاتی که در مورد شوراهای سندیکاها بوجود آمده برهاند.

تجربه مبارزات توده‌ای زحمتکشان در سراسر جهان نشان میدهد که کارگران در مبارزه علیه استثمار کارگران چاره‌ای جز تشکیل، بویژه شکل در سندیکاهای کارگری و مبارزه در درون آن ندارند.

«شورا» از شیوه کار خود در گذشته، انتقاد کرد

روز ۱۳ تیرماه، کارگران شرکت ایران تانکر، به عنوان اعتراض به نحوه‌ی کار شورای کارگران دست از کار کشیدند. شورای کارگری این شرکت حدود چهارماه پیش ایجاد شده، ولی از آن وقت تاکنون موفق به رسمیت دادن خود در وزارت کار نگردیده است. بعلاوه اعضای این شورا سر در لاک خود فرو کرده کارگران را در جریان فسادات شورا قرار نمیدادند. کارگران از کم کاری اعضای شورا و از پنهان کاری آن شکایت داشتند. روز بعد نمایندگان، با حضور در جمع کارگران، از شیوه کار خود در گذشته انتقاد کردند و به کارگران قول دادند که بعد از این آنها را در جریان نحوه فعالیت شورا قرار دهند، سپس یکی از کارگران طی نطقی گفت: ما نباید اجازه دهیم که این اختلاف نظرها باعث تفرقه و دشمنی بین ما شود. گفته‌های این کارگر را اکثریت کارگران تأیید میکنند.

از اینجا رانده، از آنجا مانده

به هنگام تعطیلی شرکت ساختمانی اصفرزاده، واقع در باجکاه، نزدیک شیراز، کارگران تقاضای پرداخت حقوق و مزایای خود را میکنند. در آن تاریخ با جواب سر بالا روبرو میشوند. عده‌ای از کارگران برای احقاق حق خود شکایت میکنند. بعد از عید نوروز شرکت مجدداً شروع به کار میکند. کارگرانی که از شرکت شکایت کرده بودند، برای شروع کار مراجعه میکنند، ولی به آنها گفته میشود که چون شما شکایت کرده‌اید، نمیتوانید کار کنید. یکی از این کارگران میگفت: ۴ سال سابقه کار در این شرکت دارم و حتی جمعه‌ها هم کار کرده‌ام و حالا میگویند چون شکایت کرده‌ای کار برای تو نداریم. به جاهای دیگر هم برای کار مراجعه میکنم، میگویند باید برگردی به سر کار سابق.

اخبار دهقانی

اخباری از روستاهای اطراف شیراز

دست مالک غاصب از زمینهای دهقانان کوتاه باد

روز ۱۶ تیرماه عده‌ای از اهالی روستای «کوشک خلیل قره باغ» در جلوی کاخ پذیرائی سابق گرد آمده‌اند. این روستائیان در خلال انقلاب تا به امروز مورد تهاجم و مزاحمت متوجه قوامی، از اقوام عزیز الله خان قوامی، قرار گرفته‌اند که در صد دست‌زمینهای را که سابقاً متعلق به او بوده و امروز صاحبان اصلی آن روستائیان این روستا هستند و همه دارای سند مالکیت‌اند، تصاحب کند. ۲۴ نفر از ساکنان این روستا از متوجه قوامی شاکه هستند. روستائیان میگفتند که این فرد مقداری از زمینها را نیز بتصرف خود در آورده است. یکی از شاکیان میگفت: «ما حاضریم زمینها به بیت‌المال تعلق گیرد، ولی در دست کسی که به ما ظلم کرده است نیفتد».

زمین‌های زیرسد داریوش مال خود دهقانان است

روز ۱۳ تیرماه روستائیان زمینهای زیرسد داریوش برای آزادی یکی از روستائیان گرد آمده‌اند. این روستائیان چنین اظهار میداشتند: «ما مدتهاست صاحب این زمینها هستیم و حتی برای مالکیت این زمینها سند داریم. به تازگی مالک سابق این زمینها، خانم بهبهانی، زن عبدالله خان بهبهانی، برای تصرف زمینها اقدام کرده و یکی از روستائیان را در شیراز به اسم ضد انقلابی دستگیر کرده‌اند. زمینها قانوناً متعلق به ماست و اگر روستائی دستگیر شده را آزاد نکنند از اینجا نیروم».

بنا به اظهار یکی از روستائیان مالک سابق دارای افراد مسلح نیز هست.

«مردم» - داشتن زمین حق مسلم دهقانان است. مالک غارتگر به هیچ عنوانی حق بر زمین و محصول ندارد. نیروی واقعی حامی انقلاب از جمله دهقانان زحمتکش هستند و از منافع آنهاست که باید حمایت شود. حمایت از مالکان بزرگ و حق کشیهای فاحش آنان تضعیف انقلاب است.

روستائیان زندآباد (اهر) تصمیم گرفته‌اند از حق خود دفاع کنند

رونوشت نامه‌ای، با چندین امضاء و دهها اثر انگشت، به دفتر «مردم» رسیده است. در این نامه روستائیان زندآباد، در حوالی اهر، میطلبند که جهت جلوگیری از ضایع شدن حق ما زحمتکشان، به خواستهای ما رسیدگی و عوامل طاغوت را بسزای اعمال خود برسانند. آنها چنین توضیح میدهند:

«در سال ۱۳۴۷، نصرت‌خان دمکانی و رشیدخان قلی بیگلر و فرزندانشان در مقابل رشوه بدولت و اداره جنگلیانی و منابع طبیعی، مرتع ده ما را بتصرف چشم‌های خود در آوردند. در مقابل اعتراض ما در آن تاریخ، ۸ ماشین سرباز از اهر فرستادند و تهدید کردند که این دستور دولت است و باید اجرا شود و اگر اعتراض کنید پدرتان را در می‌آوریم. ما آنزمان از ترس طاغوت و همچنین از ترس خانهای مذکور، که بوسیله طاغوت مسلح شده بودند، نتوانستیم در مقابلشان از حق مسلم خود دفاع کنیم. تا اینکه امسال، بارهبری قاطعانه امام خمینی و مشتاقان آنهمین مردم ایران، طاغوت سرنگون شد. ما اهالی ده هم تصمیم گرفتیم از حق خودمان در مقابل چپاولگران و زورگویان دفاع کنیم و چندین بار هم به دادگستری و پاسگاه‌ها اندامری شکایت دادیم، ولی از آنجا که نصرت‌خان و رشیدخان نفوذ زیادی در این ادارها دارند، بخواستهای ما جواب نداده‌اند و ما مجبور شدیم با توکل به خدا، مرتع آباء و اجدادی خودمان را که مالک با رشوه و زور تصرف کرده و اهالی را به روزگار سیاه نشانده بود، خودمان محافظت کرده و استفاده بکنیم. این عمل ما خانهای غاصب را ناراحت کرده و روزی نیست که گلوله‌ای به طرف اهالی ده نیفتد. در اثر این عمل ناچوانان مردانه آقای ولی دانشمندی توسط نیرومطلب خان، پسر نصرت‌خان، زخمی و در بیمارستان شیر و خورشید اهر بستری شده است، که در این مورد به دادگستری و پاسگاه‌ها اندامری شکایت کردیم، ولی ترتیب اثر نداده‌اند. ما اهالی از کمیته انقلاب اسلامی شهرستان اهر میخواهیم جهت جلوگیری از پساپایل شدن

توجه به اقتصاد روستائی ضرورت فوری و اولویت دارد

از شیراز گزارش دیگری نیز داریم حاکسی از اینکه در دروازه اصفهان شیراز بازاری است که محل خرید روستائیان است. در این محل وضع اقتصادی فروشندگان وضع روستاها بخوبی مشخص میگردد. در صحبت با سه نفر از این فروشندگان، یکی از آنها اظهار میکرد که فروش فرقی نکرده - دوفتر دیگر از بدی وضع شکایت داشتند و علت این وضع را بدی اقتصاد روستائی دانستند. گزارش اضافه میکند:

بعلت تعطیل شدن مؤسسات تولیدی و خرابی وضع روستاهای اطراف شیراز بخصوص از نظر بی‌آبی، تعداد دست فروشان کنار خیابان زیاد شده بود و ضرورت ایجاد طرحی برای سامان دادن به این وضع احساس میشد. بساط دست فروشان جمع شده و به آنها قبول تهیه محلی برای کسب و کار داده شده است. این روزها تجمع گروه‌هایی از این دست فروشان، که عده زیادی از دهقانان مهاجر هستند، در گوشه و کنار شهر برای رسیدگی به این مسئله بچشم میخورد.

روز ۵۸/۳/۱۱، حدود ۳۰ نفر از آنها در فلکه شهدا (شهرداری سابق) گرد آمده‌اند.

یکی از آنها میگفت: «آب نیست، آب برای خوردن گیر نمی‌آید». شخص دیگری گفت: «تادیر روز ما کار می‌کردیم، اگر میتوانیم امروز شما برید کار کنید».

روز ۵۸/۳/۱۳، عده‌ای دیگر در پارک شهر گرد آمدند. طبق قولی که به آنها داده شد، قرار شد هفته بعد محل کار آنها را تعیین کنند. خود این افراد محل ساواک منحل و با اطراف فلکه شهدا را پیشنهاد میکردند.

در میان این افراد، روستائیان «خلار»، که از دهات کم‌آب شیراز است، دیده میشوند. یکی از روستائیان میگفت: «به ما آب بدهند، بر میگردیم به دهقان».

حقوق ما زحمتکشان بوسیله زورگویان و معانیت از خونریزی، که نظیرش هر روز بدست خانهای ظالم زیادتر میشود، اقدام قاطع و انقلابی بنمایند».

باز هم درباره تشکیل دادگاههای رسیدگی به جرائم ضدانقلاب

صلاحیت دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرائم ضدانقلاب شناخته شده است.

اگرچه میحت اول از باب دوم قانون مجازات عمومی، که ناظر به «جنحه و جنایت بر ضد امنیت خارجی مملکت» است، یک سلسله جرائم سیاسی را در برمیگیرد، که در شرایط کنونی بدرستی میتوان آنها را در عداد جرائم ضدانقلابی شمرد، ولی با این وجود یکی از ارتجاعی‌ترین قوانین دوران حکومت ضد خلقی پهلوی را نیز شامل میشود، که باستناد آن، بهترین فرزندان خلق ما، از روحانیان مبارز گرفته تا همه گروهها و عناصر ملی و آزادیخواه، چه در زمان رضاخان و چه بهنگام سلطنت پسرش، دسته دسته شکنجه شده، بجنس‌های سنگین و اعدام محکوم گردیده‌اند. این قانون ضد انقلابی، که تحت عنوان «قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت»، در ۲۲ خرداد مسه ۱۳۱۰ از تصویب مجلس فرمایشی رضاخان گذشته و سپس در زمان محمدرضا پهلوی، طبق ماده واحده‌ای تحت عنوان «اصلاح قسمتی از قانون دادرسی و کیفر ارتش»، مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۴، تشدید گردیده است، نه تنها تحت عنوان دارا بودن در ریه پامرام اشتراکی، هر شخص یا جمعیت از دولتی‌ها یا با خارج را مستوجب حبس دائم شناخته است، بلکه «هر کس اعر از ایرانی یا خارجی را که در داخل یا خارج کشور جمعیتی تشکیل نماید، که رویه آن ضدیت با حکومت مشروطه سلطنتی ایران باشد، مستحق همین مجازات دانسته است.

امیدواریم بی‌دقتی تنظیم کنندگان لایحه دادگاه‌های رسیدگی به جرائم ضد انقلاب، موجب چنین اشتباه گمراه کننده‌ای شده باشد، والا قبول آن در واقع بمنزله پذیرش این حکم متناقض و غیر عادلانه است که، افراد، گروهها و احزابی که با دادن قربانیهای بیشمار و تحمل انواع شکنجه‌ها و زندانهای درازمدت، با تمام نیروی خود علیه سلطنت خودکامه، ضدملی و ضد دموکراتیک محمد رضا پهلوی، و پدرش مبارزه کرده‌اند، و با شرکت فعال خود در انقلاب، سهم شایسته‌ای در سرنوشت ساختن رژیم پهلوی و ایفا نموده‌اند، امروز در دادگاه‌هایی مورد تعقیب قرار گیرند، که هدفش مبارزه با ضد انقلاب است!

حزب توده ایران نه تنها از آن جهت که اعضای در زمره این راد مردان انقلابی بوده‌اند و آنی از مبارزه در راه سرنوشت ساختن رژیم ستمگر و ضد ملی و ضد دموکراتیک گذشته فروگذار نکرده‌اند، بلکه همچنین با احترام آن شهیدان و عناصر انقلابی دیگری که تمام مصائب و ستمگریهای رژیم ساراکسی محمد رضا را تحمل کرده و سر تسلیم در برابر رژیم فاسد گذشته فرود نیاورده‌اند، با وجود چنین ابهامی در لایحه دادگاه فوق‌العاده، کسسه میتواند در آینده مستمسک اعمال فشار به انقلابیون واقعی گردد، شدیداً اعتراض میکند و از شورای انقلاب می‌طلبد که صریحاً حذف قطعی این ماده را اعلام دارد.

محدودیت برای کارگران

از این گذشته، ماده ۹ این قانون بنحوی تنظیم گردیده و چنان محدودیتی برای کارگران قائل شده است، که با روح انقلاب ایران بکلی در تضاد است.

ماده ۹ چنین تصریح میکند: «اعمال اشخاصی که بنحوی از انحاء در امور کارگاهها و کارخانجات کشور اختلال (تا اینجای حرفی نیست، ولی بعد از آن) و کارگران را تحریک و تحریر به تعطیل کار و کارگاه و کارخانه نمایند، ضربه زدن بمصالح عمومی و استقلال اقتصادی کشور از جرائم ضد انقلابی است و مرتکب بر حسب درجات جرم حسب تشخیص دادگاه به کیفر جنائی از دو سال تا ۱۰ سال محکوم میشود».

باید اعتراف کنیم که با کمال حسن نیتی که نسبت به هدفهای تشکیل دادگاه فوق‌العاده برای سرکوب ضدانقلاب داریم، نمیتوانیم کینه طبقاتی را، آنهم در بدترین نوع آن، از لابلای جملات این ماده احساس نکنیم.

این ماده نه تنها صراحتاً در حکم مجرم ساختن کارگران از برترین حربه‌های مطالبات اقتصادی برای بهبود زندگی آنهاست، بلکه به بهانه «مصالح عمومی و استقلال اقتصادی کشور»، هر کارگر یا هر نماینده اتحادیه‌ای کارگری را، که جرأت کند برای احقاق حقوق کارگران با رفقای استعمار شده خویش چند کلمه‌ای درباره لزوم دست کشیدن از کار، که حق مسلم آنها است، گفتگو نماید، تحت تعقیب جزائی، آنهم با اتهام اقدام ضد انقلابی (۱) قرار میدهد.

کارگری که روز و شب کار میکند تا زندگی خود و خانواده‌اش را با نان بخور و نمیر تأمین نماید و در تمام طول زندگانی بر محنت خود، چه در زمان دوران اختناق ساراکسی محمدرضا و چه اکنون، بهیای تحمل انواع بی‌عدالتی‌ها، چرخ اقتصاد کشور را چرخانده و میچرخاند، حق ندارد دست از کار بکشد و بگوید با این شرایط دیگر تاب و توان کار کردن و زیر بار زور و فشار کارفرما رفتن ندارد. حقا که چنین برخوردی حیرت‌انگیز و تأسف‌آور، و بالاتر از آن، نادرست و زین‌بیش است.

مذاکره درباره اعتصاب جرم است!

البته ممکن است که نیروهای ضدانقلابی گاه از وضع فلاکت‌بار زندگی کارگران سوءاستفاده کنند و آنها را بیک اعتصاب ضدانقلابی تشویق نمایند. ولی ماده ۹، بجای آنکه این نوع تحریکات را با قیود و شروط و مشخصات روشن سازد، بنحوی تنظیم شده که حتی کوچکترین مذاکره‌ای درباره اعتصاب را قابس تعقیب و مجازات دانسته است.

در ۳ تیرماه، متن لایحه تشکیل دادگاه فوق‌العاده‌ای که باید به جرائم ضد انقلاب رسیدگی کند، انتشار یافت. «مردم» در شماره ۳۲، مورخ ۶ تیرماه، به نخستین بحث انتقادی درباره این لایحه پرداخت و متذکر شد که «ارزیابی دقیق و عمیق این لایحه، نیاز به بررسی مفصل‌تر دارد، که مسلمان انجام خواهیم داد». اینک نتیجه این بررسی به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

طبق لایحه تشکیل دادگاه‌های رسیدگی به جرائم ضدانقلاب «بمنظور استقرار حاکمیت ملی و نگاهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، در مرکز هر استان دادگاهی بنام دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرائم ضدانقلاب تشکیل می‌شود».

بی‌شک تصویب این لایحه قانونی، که از سوئی به پراکندگی دادگاه‌های رسیدگی به جرائم ضدانقلابی در سراسر کشور پایان می‌بخشد و ارکان قضائی متمرکزی را برای تعقیب و مجازات این نوع جرائم بوجود می‌آورد و از سوی دیگر نمایانگر تصمیم شورای انقلاب به مبارزه قاطع با اقدامات خرابکارانه دشمنان انقلاب است، که پس از گذراندن دوران هزیمت و سراسیمگی، اکنون بنحو سازمان یافته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت نیروهای انقلابی خلق عمل می‌کنند، بخودی خود وسیله نیرومندی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب مردم ایران و تحکیم حکومت انقلابی خلق بشمار می‌رود، و لذا نمی‌تواند از لحاظ اصول انقلابی مورد تأیید نباشد.

ماده ۱ لایحه نشان می‌دهد که منظور از تشکیل این دادگاهها مبارزه با ضد انقلاب و دفاع از دستاوردهای انقلاب بمنظور تحکیم حاکمیت ملی است.

تصریح این هدفها، در عین اینکه لزوم تشکیل چنین دادگاه‌های فوق‌العاده‌ای را در اوضاع و احوال کنونی توجیه می‌کند، محدودیت زمانی بقاء آنها نیز می‌رساند.

درواقع آنگاه که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب نهائی مردم کشور رسد و با انتخاب مجلس شورای ملی و دیگر ارکان‌های حکومت انقلابی، حاکمیت ملی مستقر و استوار گردد، منطقاً باید وظایف این دادگاه‌های فوق‌العاده به دادگاه‌هایی محول گردد که قوه قضائیه انقلابی کشور مارا تشکیل می‌دهند، مگر آنکه بنا بر اوضاع و احوال ویژه‌ای، مجلس شورای ملی هنوز وجود این دادگاه‌های استثنائی را ضرور بشمارد.

بهر حال، علی‌رغم جهات مثبت عمومی خود، لایحه تشکیل دادگاه فوق‌العاده حاوی ابهامات و نقائصی است که نمی‌توان بی‌تذکر از آن گذشت.

نقص عمده

نخستین نقص عمده لایحه اینست که، هیچگونه تعریف جامع و مانعی از جرائم ضدانقلابی بدست ن داده است و به همین سبب زمینه‌ریزی برای سوء تفاهات، تعبیرات و احیاناً انحراف از هدفهای اصلی و علت وجودی لایحه قانونی فراهم می‌سازد.

منطقاً ضد انقلاب به نیروهای اطلاق می‌شود که دشمن انقلاب هستند و بقصد برهم زدن نظام جدید انقلابی، مرتکب جرائم معینی می‌شوند تا بوسیله آن از استقرار حکومت انقلابی جلوگیری نمایند و مآلاً نظام گذشته ارتجاعی و هوادار امپریالیسم را، بشکلی از اشکال، دو باره بر کشور مسلط سازند. بنا بر این یک سلسله از جرائم عادی، مانند قتل، خرابکاری، سرقت، دستبرد، غارت، حریق، ترور، کشتار، انواع جرائم اقتصادی و غیره در صورتی می‌توانند عنوان جرائم ضدانقلابی پیدا کنند که در چهارچوب این مقاصد سیاسی قرار گیرند و اغلب، طبق نقشه مشخصی که از جانب دشمنان انقلاب طرح شده است، ارتکاب یابند. در صورت فقدان چنین هدف و نقشه‌ای و عدم احراز قصد مشخصی ضدانقلابی مرتکب یا مرتکبین، نمیتوان نفس عمل را ضد انقلابی شمرد. بدیهی است بنا به ملاحظه نگاهداری از دستاوردهای انقلاب، میتوان رسیدگی به برخی از جرائم عادی را، ولو اینکه بقصد و منظور برهم زدن نظام انقلابی نباشد، ولی ارتکاب آنها در شرایط مشخصی که هنوز حکومت انقلابی تحکیم نیافته است، بقدرت اقتصادی و مالی آن لطمه وارد میکند، در صلاحیت دادگاه فوق‌العاده شمرد. ولی چنین جرائمی نیز باید دقیقاً در قانون مشخص گردد. در غیر این صورت، هر عمل قابل مجازاتی، باستناد اینکه موجب زیان مادی و معنوی انقلاب میگردد، میتواند جرم ضدانقلابی تلقی شود و در صلاحیت دادگاه استثنائی شمرده شود. تردیدی نیست که چنین مفهومی از صلاحیت دادگاه فوق‌العاده، بمعنای جان‌نشین ساختن آن بجای دادگاه‌های عادی جزائی و لذا نقض غرض است.

ماده ۴ لایحه انتشار یافته کوشیده است حدود صلاحیت دادگاه‌های فوق‌العاده را از راه بر شماری یک سلسله جرائم مشخص سازد. ولی این تصریحات خود موجد ابهامات دیگری است. این ابهامات، در مرحله اول، از بر شماری برخی قوانین ارتجاعی دوران حکومت پهلوی، که بمنظور سرکوب افراد یا احزاب مخالف رژیم گذشته وضع شده است، ناشی میگردد.

در واقع، طبق ماده ۴ لایحه، رسیدگی به «کلیه جرائم پیش‌بینی شده در میحت اول و دوم باب دوم و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی و تا پایان ماده ۲۶۱ همان قانون» در

مردم حق دارند واقعیات را بدانند

آگاهی از آنچه میگذرد، برای مردم نه تنها لازم بلکه حیاتی است. این نیازخواست انسان معاصر است. توسعه غول‌آسای وسائل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات و انتشارات مختلف) همگی مهر تأیید بر این خواست انسانی می‌زند.

نطفه این آگاهی را اخبار مربوط به رویدادها تشکیل میدهد و آنجا که سدی بشکل پاشنه آهنین دیکتاتوری مانع پخش اخبار موثق و در نتیجه بی‌خبری مردم میشود، داغ ننگین اختناق بر پیشانی جامعه می‌نشیند و آنجا که از شرایط آزاد پخش اخبار و رویدادها سوءاستفاده میشود تا جامعه به انحراف کشیده شود، مهر خیانت به آزادی و مردم، روی پیشانی سوء استفاده‌کنندگان جای دارد.

آمینزه‌ای از احساس مسئولیت در برابر جامعه از سوی دست‌اندرکاران و وسائل ارتباط جمعی از سوئی و فراهم بودن شرایط آزاد پخش اخبار و رویدادها از سوی حکومت‌کنندگان شرایط مطلوبی است که هر جامعه‌ای بدان نیاز دارد. و از آنجا که ایران در عرصه جهان تافته جدا بافته‌ای نیست، این شرایط برای ایران نیز نه تنها مطلوب، بلکه با شرایط انقلابی که بر کشور حاکم است، حیاتی است.

آگاهی مردم در گرو این حسن نیت است و این آگاهی زمانی به آگاهی انقلابی و به نیروی بتوان پاسدار انقلاب تبدیل خواهد شد که هر رویدادی بی‌کم و کاست به اطلاع مردم رسانده شود و روابط علت و معلولی آن نیز با دیدی واقعی و جدا از تنگ‌نظری و انحصارطلبی بررسی و تفسیر گردد.

ایران دیروز (قبل از پیروزی انقلاب) در زمره کشورهای بود که مهر اختناق بر پیشانی آن جای داشت و ایران امروز (بعد از پیروزی انقلاب) شرایط آزاد انتشار اخبار و رویدادها و تفسیر واقعی آنها و احساس مسئولیت منتشر کنندگان اخبار و رویدادها را طلب میکند.

در ایران دیروز، رژیم حاکم تمام تلاش خود را بخدمت گرفته بود تا مردم را ناآگاه به آنچه در ایران میگذشت، نگهدارد و با استفاده از همین ناآگاهی، ایران را به تاراج دهد. اما در ایران امروز، در ایران انقلابی، مردم به حقوق انتظار دارند که از همه رویدادها بدرستی مطلع شوند و تمام دست‌اندرکاران حکومتی نیز موظفند نقطه نامعلومی برای مردم در ارتباط با رویدادها باقی نگذارند.

بحث بر سر روزنامه‌ها و مجلاتی نیست که نقش نفاق‌افکن و تحریک‌کننده دارند و با جهت‌گیری خصمانه با سررویداد انقلابی و مردمی رو بر می‌شوند. اگر چه در همین زمینه نیز مسامحه دست‌اندرکاران دولتی در کار کوتاه سازی دست عناصر مشکوک و وابستگان رژیم گذشته از وسائل ارتباط جمعی مشهود و قابل انتقاد است. بحث بر سر آگاهان اجرایی دولتی است و اینکه چرا مردم را عمیقاً در جریان آنچه میگذرد، نمی‌گذارند؟ دهها نمونه در این زمینه وجود دارد که، به عمد یا غیر عمد، مردم در جریان درست رویدادها گذاشته نشده‌اند.

این هشدار ما را هم، مانند سایر هشدارها، باید مورد توجه جدی قرارداد که، ناآگاهی مردم و یا گمراه ساختن مردم بسود ضدانقلاب است و برعکس، آگاهی مردم و تجهیز مردم برای مبارزه متحد علیه ضدانقلاب، تنها راه عقیم ساختن توپخانه‌های ضدانقلاب است.

طبقه کارگر، که خود یکی از ارکان اساسی انقلاب خلق بشمار میرود، نه تنها قادر است تن به چنین تحریکاتی ندهد، بلکه با رشد درجه آگاهی سیاسی و انقلابی خود، بخوبی میتواند در برابر اقدامات اختلال‌گرانه ضدانقلابی با ایستادگی و محاربه ضدانقلابی از رفقای کارگر و هم‌زنجیران خود باز شناسد.

حزب توده ایران، وظیفه خود میداند که از شورای انقلاب لغو این ماده ضد کارگری و ضد دموکراتیک را، که معارض با اهداف اعلام شده انقلاب است، بخواهد و اجازه ندهد که با سوءاستفاده از این قبیل مواد نسجیده، آب به آسیاب دشمنان انقلاب ریخته شود.

انتقادات ما به این لایحه منحصر به چند مورد عمده‌ای که ذکر شد، نیست. بررسی دقیق لایحه قانونی دادگاه فوق‌العاده، چه در مورد اصول دادرسی و چه درباره نفس جرائمی که در قلمرو صلاحیت دادگاه‌های مزبور قرار داده شده است، نقائص اندکی را نشان نمیدهد. از سوئی برخی از مواد این لایحه با پیش‌نویس قانون اساسی، که به تصویب شورای انقلاب هم رسیده است، تعارض جدی دارد و از سوی دیگر مجازات برخی از جرائم مذکور در این قانون، طبق قوانین گذشته تعیین گردیده، در حالی که بعضی دیگر در خود این قانون معین شده است و مجازات دسته سوم نه در این قانون پیش‌بینی شده و نه بموجب قانون دیگر قابل مجازات شناخته شده است، مانند بندهای (ب، د، و) از ماده ۴ لایحه.

حزب توده ایران پیشنهاد میکند که برای رفع ابهامات و نقائص این قانون، هر چه زودتر در این قانون تجدیدنظری بعمل آید و اصلاحات لازمه بوسیله شورای انقلاب منظور گردد. هر قدر این قانون دقیق‌تر و روشن‌تر شود، بیشتر میتواند به هدفهای مبارزه با ضدانقلاب کمک برساند.

مقدمات توطئه در خلیج فارس بمنظور هموار کردن راه تجاوز آینده آمریکا

ضد انقلاب با جسارتی بیش از پیش سر برداشته و در کار تهیه مقدمات توطئه‌های تازه بتازه است. در داخل کشور گروه‌های تروریستی تربیت شده سازمان امنیت جسورانه در هر کجا دستشان برسد، دستبرد می‌زنند، تا آنجا که بتوانند آشوب برپا می‌سازند، در مرکز، در استانها، در نقاط مرزی دست به حمله و کشتار می‌زنند تا بین توده‌های مردم ایجاد سراسیمگی و اضطراب کنند. در خارج از کشور، از سرحدات غربی گرفته تا قاهره و تل آویو، از طریق تربیت تروریست و خرابکار، انقلاب بزرگ ما را تهدید می‌کنند.

آزادی بخش فلسطین.
لای این توطئه بقدری باز است که در همان روز پخش «هشدار» وزارت خارجه آمریکا (۲۹ تیرماه) روزنامه‌های المومین، انگشت بر روی عاملین توطئه گذاشته و در شماره‌ی همان روز خود این توطئه را برملا ساخته است.

خبرگزاری یونایتد پریس از کویت خبر داده است که «یک روزنامه کویتی ایالات متحده را متهم کرد که سرگرم چیدن برنامه‌هایی برای ربودن تانکرهای نفتکش در تنگه هرمز است تا از این طریق دست‌آویزی برای اشغال میدانهای نفتی خلیج فارس پیدا کند. روزنامه‌های المومین در سرمقاله‌ای نوشت: ما نمی‌توانیم این احتمال را رد کنیم که سیای آمریکا مشغول استخدام تروریستهای حرفه‌ای برای انجام چنین وظیفه‌ای (ربودن نفتکش) است.»

این تنها یک احتمال نیست. امپریالیزم آمریکا، که یک منبع درآمد فوق‌العاده هنگفت (سالانه در حدود ۲۵ میلیارد دلار) را بعلت انقلاب ایران از دست داده است، برای اعاده غارتگری‌های گذشته، از هیچ تبه‌کاری و هیچ عمل ضد بشری روگردان نیست. برای دستکاهای جاسوسی ساواک-موساد-سیا اشکالی ندارد که برای چسباندن این توطئه به سازمان آزادی بخش فلسطین و یا بقول خودشان تروریستهای فلسطینی، از بین تبه‌کاران عرب ساکن «کشورهای دوست آمریکا»، عده‌ای را برای اینگونه عملیات تربیت و آماده کرده باشند، تا بدنیال آن، دخلت‌های تبهکارانه خود را در خلیج فارس توجیه کنند.

«هشدار» وزارت خارجه‌ی آمریکا به کشتی‌های نفتکش در حقیقت هشدار است به دولت ایران، برهبری انقلاب، به تمام سازمانهای اصیل انقلابی. این هشدار از ژرفای توطئه‌ی نوین دشمن-دشمن داخلی و خارجی- حکایت میکند و مستلزم هشدار انقلابی، قاطعیت و آمادگی برای مقابله با هر اقدام تخریبی از طرف این دشمنان سوگند خورده است.

بیش از این، برای خنثی کردن دسیسه‌های رنگارنگ دشمن، ما امروز بیش از هر زمان نیازمند وحدت، نیازمند تشکیل جبهه واحد، نیازمند تدوین یک برنامه مشترک در زمینه‌ی مقابله با دشمن، قطع نظر از هرگونه اختلاف ایدئولوژیک هستیم. نظیر این هشدار در زمان شادروان دکتر مصدق بارها و بارها از طرف ما داده شد، ولی عوامل نفاق افکن میکوشیدند تمام تلاشهای ما را خنثی کنند. ما امیدواریم که آزموده را بار دیگر مجبور نباشیم بیازمائیم.

امپریالیزم آمریکا، این بزرگترین و خونخوارترین دشمن آزادی خلق‌های جهان، که از انقلاب پیروزمند ما بیش از تمام قدرتهای امپریالیستی ضریب دیده است، از همه برآشفته‌تر است و از همه بیشتر چنگ و دندان علیه میهن‌ها و انقلاب ما تیز می‌کند و خود را برای تهیه زمینه دخالت مستقیم، اگر نه در داخل ایران، حداقل در منطقه خلیج آماده می‌سازد و این توطئه با مشارکت عمال ساواک و بازمانندگان رژیم سابق، سازمان جاسوسی سیا و سازمان جاسوسی موساد تدارک می‌شود.

سازمان دادن نیروی ضربتی یکصد و ده هزار نفری، که بقول روزنامه‌های آمریکائی و خبرگزاری‌های خارجی، می‌تواند به فاصله ۲۴ ساعت در نقاط مورد نظر وارد عملیات نظامی بشود، در مرکز این توطئه قرار دارد و تقریباً تردید نمی‌توان داشت که این نیرو از بین فاسدترین، و امانده‌ترین و شرورترین افراد، که پای بند هیچیک از موازین اخلاقی و انسانی نیستند دست‌چین شده است.

هنوز چند روزی از انتشار خبر تشکیل این نیروی ضربتی نمی‌گذرد که ناگهان، با هشدار وزارت خارجه آمریکا به نفتکش‌ها و کشتی‌هایی که در خلیج فارس در حرکتند، «بمناظره یک نعل وارو رو برو می‌شویم. در این اعلامیه از حادثه قریب‌الوقوعی که حتی روز و ساعت آن نیز با دقت پیشگویی شده است، سخن به میان می‌آید و گفته می‌شود:

«وزارت خارجه آمریکا به نفتکش‌ها و دیگر کشتی‌ها هشدار داد که احتمالاً تروریست‌ها در نزدیکی خلیج فارس برای ربودن یا انهدام کشتی‌ها کوشش خواهند کرد. وزارت خارجه آمریکا اعلامیه‌ای به تمام کشتی‌هایی که در خلیج فارس حضور دارند، اخطار کرد که اطلاع حاصل کرده است تروریست‌ها طرح حمله به نفتکش‌ها و یا کشتی‌ها را تهیه کرده‌اند... در بیانیه‌ی وزارت خارجه آمریکا آمده است که «طبق اطلاعات حاصله می‌توان انتظار داشت چنین اقدامی احتمالاً در روز ۲۳ ژوئیه بوقوع بپیوندد. دولت‌های غربی از مدتی پیش تنگه هرمز را یک گذرگاه تهدید آمیز دانسته و از این می‌ترسند که در این آبراه خطرانی نفتکش‌های عازم غرب را تهدید کند...»

این بیانیه، با گویاترین بیانی، حاکی از توطئه‌ای است که طراحان سیاست خارجی آمریکا و سازمان سیا، با دستگیری سازمان صهیونیستی موساد و بازمانندگان ساواک در صدد تدارک و اجرای آن هستند. هدف از این توطئه، سرهم کردن بهانه‌ای است برای مداخلات «نیروی ضربتی آمریکا» در خلیج فارس و تنگه هرمز و متوجه ساختن مسئولیتی که از این توطئه ناشی میشود، به سازمان

شهری از دوشنبه تا پانجمی ۳ اسفند - ششم

از قهر سکوتی به حجم فریاد

از قهر سکوتی به حجم فریاد
با طعم کلامی به رنگ درد
بیک امید می تا سرخی بگاه
در رسید:

حزب من!
حزب زمان!
تهدید رزمنده در میدان
این پرورنده تیزابیان و روزبهان
سرودش، سرود رستاخیز
ای نیرومندان
همه خلق!
بمراهیتان!

جمعه ۲۵ مرداد ۱۳۵۸

سه مورد از ابهامات سیاست خارجی، که نیازمند توضیح اند

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، در مصاحبه روز ۲۷ تیرماه، از جمله اظهار داشت: «اگر در سیاست خارجی ابهاماتی هست ما وظیفه خود میدانیم که در این باره توضیح بدهیم.»

واقعیت اینست که در سیاست خارجی ابهامات بسیار است و مدار این مقال سه مورد مشخص را، که نماینده مقطعی از نحوه عمل وزارت امور خارجه است و نیازمند توضیح است، مطرح میکنیم.

روابط دیپلماتیک ایران و کوبا هنوز تجدید نشده است. این روابط، چنانکه میدانیم، به اشاره واشنگتن و بدست شاه مخلوع، به بهانه ابلهانه‌ای، قطع شد. پس از واژگون شدن رژیم دست‌نشانده شاه مخلوع و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال بخش ایران، قاعدتاً و طبعاً میبایستی روابط دیپلماتیک با کوبا، که کشوری است در جبهه ضد امپریالیستی، بیدرنگ مجدداً برقرار میشد. علاوه بر این، کوبا نیز بان کفترانس کشورهای غیرمتعهد است و دولت اعلام کرده است که عدم تبعید از بیانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و بر این مبنا و نیز بر اساس طرح عضویت ایران در کفترانس کلمبیا، قاعدتاً میبایستی هیئت نمایندگی ایران، برای تصویب نهائی عضویت در جرگه کشورهای غیر متعهد، به کوبا اعزام گردد.

ناگفته پیداست که اگر روابط دیپلماتیک بین ایران و کوبا برقرار نباشد، عزیمت هیئت نمایندگی ایران به کوبا زیر علامت سؤال قرار خواهد گرفت و ظاهراً بهمین دلیل نیز وزیر امور خارجه، در همان مصاحبه، عزیمت هیئت نمایندگی ایران را قطعی و یقین اعلام نداشت، بلکه اظهار کرده است: «با احتمال بسیار زیاد هیئت از سوی ایران در کفترانس هاوانا شرکت خواهد کرد.»

بدینسان در مورد رابطه دیپلماتیک با کوبا دو سؤال مطرح میشود که نیازمند توضیح است، اول اینکه چرا تاکنون روابط دیپلماتیک با کوبا برقرار نشده است. دوم اینکه چرا شرکت ایران در کفترانس هاوانا قطعی و مسلم نیست؟ برقراری روابط با لیبی نیز دچار تعلیق است. لیبی کشوری است در جبهه مبارزات ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی، طرفدار احقاق حق خلق فلسطین. اینها همان مواضعی است که جمهوری اسلامی ایران نیز اتخاذ و اعلام داشته و بنا بر این طبعاً مناسبات دو کشور در زمینه سیاست خارجی باید مناسبات بسیار خوبی باشد. ولی هنوز معلوم نیست بچه دلیل روابط دیپلماتیک بین دو کشور برقرار نشده است. اینهم ابهام و سؤال دیگری است که توضیح می‌طلبد. ۱۸ اردیبهشت خبرگزاری رسمی امارات متحده عربی اعلام کرد که ایران و جمهوری دموکراتیک خلق یمن موافقت کرده‌اند بایکدیگر روابط دیپلماتیک برقرار کنند. این خبرگزاری، به نقل از یک مقام جمهوری دموکراتیک خلق یمن، که در کفترانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی شرکت کرده بود، افزود که محمد صالح وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک یمن اظهار داشته است که برقراری

ضد انقلاب يك کتابفروشی را در شبستر غارت کرد

چهارشنبه بوستم‌تیر ماه، عناصر مشکوک با تحریک احساسات عده‌ای متعصب، يك کتابفروشی را در شبستر غارت کردند. ماجرا باین ترتیب اتفاق افتاد که وقتی هواداران چریک‌های فدائی خلق فیلم دانشکده‌های من را نمایش میدادند، عناصر مشکوک دست به تحریک زدن و شروع به دادن شماره‌های ضد کمونیستی کردند. سپس با همراهی

روابط دیپلماتیک بین دو کشور، پیش از ۱۵ ماهه (۲۵ اردیبهشت) اعلام خواهد شد. بدینسان تاکنون قریب دو ماه و نیم است که برقراری این روابط بتعمیق افتاده است. چرا؟ سیاست خارجی هر دولتی ادامه سیاست داخلی آن است. سیاست خارجی گسترش سیاست داخلی در رابطه با دیگر کشورهاست. انقلاب ایران انقلابی است ضد امپریالیستی که بخاطر تأمین استقلال کشور رهائی آن از نفوذ غارتگرانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا انجام گرفته است. بنا بر این سیاست خارجی کشور ما اکنون دیگر میبایستی سیاست ضد امپریالیستی باشد که یکی از مظاهر آن، برقراری روابط حسنه با کشورهای دوست است که آنها نیز در جبهه ضد امپریالیستی قرار دارند. پس بجهت دلیل برقراری روابط دیپلماتیک با کوبا، لیبی و جمهوری دموکراتیک یمن دچار تعلیق یا وقفه شده است؛ مادر انتظار توضیح این ابهامات از سوی وزارت خارجه هستیم.

کتابفروشی راهم به سرقت بردند.
زنی که هنگام غارت کتابفروشی، با فرزنداناش برای خرید کتاب آمده بود، وقتی متوجه یورش آنها شد، در حالیکه از ترس به حالت غش افتاده بود، کتابفروشی را میزد، ساواکی‌ها را بگیرد... این کار ساواک است. امام این اعمال را نمی‌پسندد.
بر اساس گزارش خبرنگار «مردم» از شبستر، از مفاد کتابفروشی فقط مخروبه‌ای باقی مانده است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۹۴۳۴۵۹، ۹۴۳۵۷۳۸ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

۱- حساب بانکی به نام تقی کی‌منش و به شماره ۴۴۴۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).
۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۴۱۱۰ بانک صادرات

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود